

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبح شد و بانگ الرحیل برخاست و "قافله عشق" عازم سفر تاریخ شد، خدایا، چگونه ممکن است که تو این باب رحمت خاص را تنها بر آنان گشوده باشی و دیگران را از این دعوت محروم خواسته باشی؟ آنان را می گویم که عرصه حیاتشان عصری دیگر از تاریخ کره ارض است. هیئات ما ذلک الظن بک - ما را از فضل تو گمان دیگری است. پس چه جای تو دید؟ راهی که آن "قافله عشق" پای در آن نهاد راه تاریخ است و آن بانگ الرحیل هر صبح در همه جا بر می خیزد، و اگر نه، این را احلان "قافله عشق"، بعد از هزار و سیصد چهل و چند سال به کدام دعوت است که لبیک گفته اند؟





این خون **سیدالشهدا** است که خون های همه ملت های اسلامی
رایه جوش می آورد و این دستجات عزیز عاشورا است که مردم
رایه هیجان می آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی
مهیا می کند. در این امر سستی نباید کرد. **سیدالشهدا** همه جا
هست. «کل ارض کربلا» همه جا محضر **سیدالشهدا** است ...
امام **حسین** نجات داد اسلام را ...



شروع جاذبه ی مغناطیس **حسینی**، در روز اربعین است.
جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می کند و به کربلا می کشد.
این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای
متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت
دارند، عشق و شور به **کربلا** همیشه در دلشان زنده است. این از
آن روز شروع شده است ...

الْبَيْتُ الْمَقَامُ

وَمَا كَانَ قَدَمُ سَلَامٍ مَعْتَدَةً
الْحَسَنِ وَاطْحَابِ الْحَسَنِ
الَّذِينَ بَدَلُوا نَجْفَهُ دُونَ الْعَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

❖ قافله عشق ویژه نامه سفر پیاده روی اربعین حسینی ستاد مردمی راهیان کربلا - استان قزوین

- تحریریه: جمعی از نویسندگان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
- طراحی جلد و صفحه آرایی: طراحان انقلاب اسلامی
- تیراژ: ۱۰۰۰ عدد
- آرشيو عکس: جامعه ایمانی، مشعر - مجمع اردویی رحیل - خبرگزاری فارس
- مآخذ: نشریه شب های هیئت - راهنمای مصور عراق - وبگاه اربعین و شمسا - روزنامه خراسان
- قیمت: ۵۰۰۰ تومان
- حق چاپ و نشر نداریم اما این ویژه نامه غیر قابل فروش است.

❖ به جای سرمقاله

و کسی گفت چنین گفت سفر سنگین است ...

نمی دانم هنگامی این سطور را می خوانی کجاهستی؟ در اتوبوس نشسته ای و در حال عزیمت به مهرانی یا از مرز عبور کرده ای و نزدیک شهر امیر مؤمنانی؟ نکند در حرم با صفای مولاننشسته ای و چشمانت از زمزمه مناجات حضرت امیر در مسجد کوفه پر از اشک شده؟ حتی ممکن است در مسیر نجف به کربلا باشی و با پای برهنه و تاول زده، تیرها را بشماری و دلت پر زبند تا شمار ه ی تیرها به عدد هزار و چهار صد و پنجاه و دو برسد و خودت را در مانده و خسته در بین الحرمین ببینی. نمی دانم...

همچنین نمی دانم اهل کجایی یا در محرم امسال چه کاره ی هیئت بودی؟ مسوول هیئت و برنامه ریز کلان آن یا خادم جلوی دری که به استقبال میهمانان آقامی رفت و خاک کفش آنان را سر مه چشمانش می کرد، طراح نشریه هیات بانیرویی که پوسترهای تبلیغات مراسم را پشت شیشه مغازه های شهر می چسباند. نمی دانم...

اما فقط همین را می دانم که دست من و تو نیست. هر جا که روزی باشد، میزبان، میهمان را فرامی خواند. فرقی نمی کند از چه قوم و تباری باشی، از خطه آذربایجان یا دیار سرسبز گیلان، لر یا بلوچ، ایرانی یا لبنانی از نیجر به آمده باشی یا آلمان، نکند از سوریه آمده ای. میهمانی حسین (ع)، مسجدی و غیر مسجدی نمی شناسد، بسیجی و غیر بسیجی نمی شناسد، انقلابی و غیر انقلابی نمی شناسد، خودشان دستچین می کنند. به قول شاعر اهل دلی: دست من و تو نیست اگر تو کرش شدیم/خیلی حسین زحمت مارا کشیده است...

سفری که در پیش داری با سفرهای ماقبل تفاوت زیادی دارد. فرق نمی کند سفرهای قبلی ات زیارتی بوده یا سیاسیاتی. ولی اگر تا به حال به پیاده روی اربعین حسین (ع) نیامده ای بدان خبری آمد خبری در راه است چون اصلا حسین جنس غمش فرق می کند...

به جاده ای قدم خواهی گذاشت که راه تاریخ است و صدای هل من ناصر حسین (ع) را خواهی شنید که بعد از ۱۴ قرن هنوز طنین انداز است و بعضی عجیب گلویت را خواهد فشرد و فضایی که سنگین است. نه این که اعراق کنم، نه آن قدر سنگین است که می خواهد بر سرت آوار شود و در این فضا چقدر سخت است که بغضت نترکد و اشک چشمانت که در حال و هوای هیئت با یک "یا حسین" جاری می شد در این جا خشک شود. هر کسی در تنهایی خودش زمزمه ای می کند و مسیری را طی می کند که مقصدش کربلاست و گویی باورش نمی شود در همین جاده بود؛ کودکانی پابرهنه، تازپانه های بی رحم، دختری قدخمیده، سرپدری بالای نیزه، خواهری گریان... بگذریم.

قرار است در این سفر "قافله عشق" نیز همراه تو باشد و مراقت باشد تا مسیر را گم نکنی. از تحف تا کربلا برایت حرف هادارد و می خواهد محرر ام را زی باشد برای همه حرف هایی که در این مسیر روی دلت سنگینی می کند. حرف هایی از جنس صداقت... حرف هایی از جنس محبت... سپید مرتضی آوینی نیز در این سفر تو را همراهی می کند و می خواهد راوی روایت فتحی دیگر باشد. خوب گوش کن صدایش را نمی شنوی...:

باران! این قافله عشق است و این راه که به سرزمین «طف» در کرانه «فرات» می رسد، راه تاریخ است و هر بامداد، این بانگ از آسمان می رسد که الرَّحِيلُ الرَّحِيلُ! از رحمت خدا به دور است هر که این باب شیدایی را بر مشتاقان لقای خویش ببندد. این دعوت آسمانی، فیضانی است که علی الدوام، زمینیان را به سوی آسمان می کشد. بدان که سینه تو نیز آسمان لایتناهی است، باقلبی که در آن چشمه خورشید می جوشد و گوش کن که چه خوش تر نمی دارد: «حسین حسین حسین حسین!»..





◆ فهرست :

فصل نجف	۷
فصل قافله عشق	۱۷
فصل کربلا	۳۷
فصل راهیان کربلا	۵۱
پیوست	۵۹

◆ فصل نجف

عجب تمثیلی است این که علی مولود کعبه است .
یعنی باطن قبله را در امام پیدا کن ...



علامات مومن

خداوند می فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/ ۳۲) تمام تقواها مرتبط به قلب است و جسد به منزله خادم قلب است و اختصاص شعارها به این است که تقوا را در قلوب دیگران تثبیت می نماید و علاماتی هستند که به واسطه آنها به ذی‌العلامه پی می برند. فرموده اند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خُمْسٌ: صَلَاةُ الْإِخْدَى وَالْخُمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّحَنُّنُ فِي الْبَيْمَنِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.» (تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ج ۶ ص ۵۲- مزار شیخ مفید، ص ۵۲ و مسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۸۷) ... پس هر عبادتی که سبب شود از برای دخول دیگران در یاد خدا و در اطاعت خدا، مقرب است از دو جهت؛ یکی از آن جهت که خود، مأمور به است و دیگری از آن جهت که تهییج دیگران به سوی اطاعت است... طواف بیت الله عبادت است از دو جهت؛ زیرا خودش مأمور به است و سبب می شود برای دخول دیگران به آن و امثال آن.

آیت الله العظمی بهجت (ره)



فضیلت زیارت امیرالمومنین (ع)

شیخ طوسی به سند صحیح از محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: خداوند خلق نغمه مملوئی بیشتر از ملائکه و بدرستی که هر روزی نازل می شود هفتاد هزار ملک و بیایند به بیت المعمور و طواف می کنند به دور آن و چون از طواف آنجا فارغ شدند، به طواف کعبه می روند و چون از طواف کعبه فارغ شدند، بسوی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می آیند و سلام می کنند بر آن حضرت. پس از آن می آیند به بسوی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و سلام می کنند بر آن حضرت. بعد از آن می آیند نزد قبر حسین علیه السلام و سلام می کنند بر آن جناب. پس از آن به آسمان بالا می روند و مثل ایشان هر روز نازل می شود تا روز قیامت. پس فرمود آن حضرت که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام او را عارف به حق آن حضرت باشد، یعنی آن جناب را امام واجب الاطاعة و خلیفه بلافضل داند و از روی تجبیر و تکبر به زیارت کند، حق تعالی بنویسد از برای او اجر صد هزار شهید و گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و مبعوث گردد در روز قیامت از جمله ایمان از احوال آن روز. و آسان گرداند بر او حساب را و استقبال نمایند او را ملائکه. و چون برگردد از زیارت او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد. و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند. و اگر بمیرد متابعت جناز او بکنند و برای او طلب آرزویش نمایند تا قبرش.

نصیحت مومنانه

شخصی آمد خدمت مولای متقیان علی (ع) و گفت: یا امیرالمؤمنین! مرا نصیحت کن. علی نصایح زیادی کرد. دو جمله اولش را برایتان عرض می کنم، فرمود: لا تکن ممن یرجوا الاخره بغير عمل و یرجى التوبه بطول الامل، یقول فی الدنيا بقول الزاهدین و یعمل فیها بعمال الراغبین. همین دو جمله فعلا ما را بس. فرمود: نصیحت من به تو اینکه از آن کسان مباش که امید به آخرت دارد اما می خواهد بدون عمل به آخرت برسد؛ مثل همه ما، مامی گوئیم حب علی بن ابیطالب کافی است. تازه حب ما حب حقیقی نیست؛ اگر حب حقیقی بود عمل هم پشت سرش بود. می گوئیم همین وابستگی ظاهری کافی است! ما خیال می کنیم یک گریه دروغین بر امام حسین کافی است. ولی امیرالمؤمنین فرمود اینها دروغ است. اگر حب علی بن ابیطالب تو را به عمل کشاند، بدان که تو بر حسین بن علی گریه کرده ای این گریه تو راستین است. اگر نه، فریب شیطان است. جمله دوم «و یرجى التوبه بطول الامل» ای مرد! از آن کسان مباش که احساس نیاز به توبه را در وجود خود دار ندما همیشه می گویند دیر نمی شود، وقت باقی است. آزادی معنوی، شهید مطهری



اللهم اغفر لعلی بحق علی

روایت شده روزی حضرت علی علیه السلام خدمت پیامبر رسیدند و عرض کردند: یا رسول الله برای علی از خدا طلب بخشش نما؛ پیامبر سر به سجده گذاشتند و فرمودند: «اللهم اغفر لعلی بحق علی». سپس حضرت از پیامبر سؤال کردند که بخشش مرا به خودم قسم می دهید؟ پیامبر فرمودند: علی جان! چه کسی از تو نزد خدا عزیزتر است که خدا را به او قسم دهیم.



ایوان نجف عجب صفایی دارد...

آستان مقدس حضرت علی (علیه السلام) در مرکز شهر قرار دارد که از یک گنبد طلایی عظیم و یک گنبد خانه و روایه‌های متعدد و یک صحن، با برخی ضرائف تشکیل شده است. نخستین ساختمان حرم مطهر در دوران هارون الرشید عباسی بنا گردید و پس از آن همواره در حال تجدید و عمران و توسعه بوده است. ساختمان امروزی از آثار صفویه است. گنبد عظیم و ایوان روحبخش آن، به دستور نادر شاه افشار با خشتهای طلایی تزیین شده. آیینہ کاری حرم به وسیله هنرمندانی از اصفهان در سالهای دهه چهل شمسی انجام گرفت.

قبر مطهر حضرت، درون صندوقی از خاتم و ضربی نقره‌ای قرار دارد؛ صندوق خاتم از ساخته‌های دوران شاه اسماعیل صفوی است و از نفایس روزگار بشمار می‌رود. ضربی مطهر توسط هنرمندان هندی و چینی در سال ۱۳۴۵ هـ.ق. در هند به همت رهبر شیعیان اسماعیلی ساخته و تقدیم حرم مطهر گردیده است. گرداگرد مرقد منور را از چهار سو رواق دربر گرفته است که همگی به زیباترین شکل توسط هنرمندان ایران تزیین یافته است.

حرم مطهر دارای صحن بسیار بزرگ و دلگشایی است که اطراف مرقد مطهر را دربر گرفته است. این صحن از ساخته‌های دوران صفوی است که نمای آن با کاشیهای خشتی زیبایی تزیین یافته و دارای دو ویژگی منحصر بفر است:

نخست آن که: در تمام فصول سال، هنگام ظهر شرعی، سایه از سمت شرق از میان می‌رود.

دوم آن که: همواره نخستین اشعه آفتاب هنگام بامداد از میان بازار بزرگ شهر گذشته و پس از عبور از دروازه صحن به ضریح مقدس می‌تابد. در گرداگرد صحن مطهر اتاق‌هایی قرار دارد که همگی آرامگاه بزرگان است. صحن دارای چهار دروازه اصلی است که بزرگترین آنها در سمت شرق واقع شده و به «باب الذهب» شهرت دارد. دومین دروازه در سمت شمال قرار گرفته و به «باب الطوسی» معروف است.

سومین دروازه در جنوب است به نام «باب قبله» و چهارمین آن در سمت غرب واقع شده و به «باب سلطانی» مشهور است.

حرم مطهر، دارای برخی بیوتات ضمیمه است که عبارتند از:

الف- مسجد عمران بن شاهین، که در دالان منتهی به باب الطوسی قرار گرفته است. این مسجد کهن، از بناهای عمران بن شاهین، حاکم جنوب عراق در نیمه قرن چهارم هجری است.

ب- مسجد خضراء، در زاویه شمال شرقی صحن است که دارای تاریخ کهن می‌باشد. این مسجد در سال ۱۳۸۵ هـ. به طرز زیبایی بازسازی گردید و دهها سال یکی از مراکز اصلی تدریس در حوزه علمیه نجف بشمار می‌رفت.

ج- تکیه بکتاشیهها، این تکیه در دوره حاکمیت عثمانیان بر عراق ساخته شده و محل تجمع و برگزاری مراسم صوفیان بکتاشی ترک بوده است. ساختمان این تکیه که امروزه به انبار آستانه تبدیل شده در شمال غرب صحن واقع است.

د- مسجد بالاسر، در دالان سمت غربی صحن قرار گرفته و در محراب آن قطعاتی از کاشیهای خشتی متعلق به قرن ششم هجری به چشم می‌خورد.



با پیامبر خدا (ص) در یکی از کوچه های مدینه قدم می زدیم. در طول مسیر به بستان سبزی بر خور دیم، به آن حضرت عرض کردم: عجب باغ زیبایی است! فرمود: آری، زیب است، ولی باغ تو در بهشت، زیباتر خواهد بود. (از آنجا گذشتیم) به باغ دیگری رسیدیم. باز گفتم: عجب باغ زیبایی است! فرمود: بله، زیب است، اما باغ تو در بهشت زیباتر است. به همین ترتیب با هفت باغ مواجه شدیم و هر بار گفتگوی بالابین من و رسول خدا (ص) تکرار میشد، در پایان راه ناگهان رسول خدا (ص) دست در گردنم انداخت و در حالی که مرا به سینه خود میفشرد به گریه افتاد و فرمود: پدرم به فدای آن شهید تنها، پرسیدم: ای فرستاده خدا! گریه برای چیست؟ فرمود: از حقد و کینه های مردم که در سینه هانها کرده و آنها را پس از من آشکار سازند: کینه هایی که ریشه در پدر و احد دارد و میراث از آن برده است آنها خونهای ریخته شده در احد را از تو طلب میکنند. پرسیدم: آیا در آن روز دینم سلامت خواهد بود؟ فرمود: آری. سپس فرمود: مژده باد بر تو: مرگ و حیات تو با من است (یعنی در دنیا آخرت با من خواهی بود). تو برادر من و وصی و برگزیده من و نیز وزیر و وارث من خواهی بود آنکه قرضهایم ادا کند و بر وعده هایم جامه عمل پوشاند، تو هستی. علی! تو ذمه ام را بری سازی و امانت مرا رد نمایی و بر سنت من، با نا کثین و قاسطین و مارقین پیکار نمایی. نسبت تو با من، همچون هارون با موسی است. تو مانند هارون در میان امت من هستی: قومش او را ضعیف شمردند و در اندیشه کشتنش برآمدند. بر ظلمی که از قریبش بینی، شکیبای باش و بر همدستی آنها علیه خود، صبور باش....

کشف الغمه ج ۷ ص ۱، صفحه ۹۶

خاک زیر پا

روزی که قلعه خیبر را فتح کردم و دروازه آن را گشودم، رسول خدا (ص) به من فرمود: اگر خوف آن نبود که گروهی از امت من، مطلبی را که مسیحیان درباره حضرت مسیح گفته اند، درباره تو نیز بگویند، در حق تو سخنی میگفتم که از جایی عبور نمیکردی، مگر اینکه خاک زیر پای تو را برای تبرک میگرفتند و از باقیمانده آب وضو و طهارت استشفای نمودند. اما برای تو همین افتخار بس، که تو از منی و من از توام میراث بر من هستی و من نیز از تو، ارث می برم. مقام و منزلت تو نزد من همچون هارون نسبت به موسی است، جز اینکه رشته نبوت پس از من بریده است. تو آن کسی هستی که دیون مرا ادا خواهی کرد و بر سنت و شیوه من (با منافقان) به پیکار پردازی و در روز واپسین از همگان به من نزدیکتر خواهی بود.

بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲

بزرگی از خاطره

دلَم در محفل ذکر علی بود ...

شخصیت با عظمت امیر المومنین علیه السلام همیشه مورد توجه محققین، مولفین و بزرگان جهان بوده است و نظرات خود را در مورد شخصیت ایشان بیان داشته اند که در این مطلب به برخی از آن نظرات می پردازیم.

- امام خمینی (ره):

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن، بزرگ ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است؛ از امام معصوم ما است.

- نرسین:

- اگر علی این گوینده با عظمت، امروز در کوفه بر منبر قرار می گرفت، شما مسلمانان می دیدید که مسجد کوفه با همه وسعتش از اجتماع مردم مغرب زمین برای بهره وری از دریای خروشان علی موج می زد.

- جرج جرداق:

نزد حقیقت و تاریخ یکسان است و او را بشناسی یا نشناسی. تاریخ و حقیقت گواهی می دهند که او وجدان بیدار و قهار، شهید نامی، پدر و بزرگ شهیدان، علی بن ابی طالب، صوت عدالت انسانی، شخصیت جاوید شرق است! ای جهان چه می شد اگر هر چه قدرت و قوه داری به کار می بردی و در هر زمان علی با آن عقلش، با آن قلبش، با آن زبانش و با آن ذوالفقارش به عالم می بخشیدی؟!

- کار لایل:

اماعلی، ما را نمی رسد جز آن که او را دوست بداریم و به او عشق بورزیم، چه او جوانمردی بس عالیقدر و بزرگ نفس بود، از سر چشمه وجدانش خیر و نیکی می جوشید، از دلش شعله های شور و حماسه زبانه می زد، شجاع تر از شیر ژبان بود ولی شجاعتی ممزوج با لطف و رحمت و عواطف رقیق و رافت... در کوفه غافلگیر و کشته شد، شدت عدلش موجب این جنایت گردید!... پیش از مرگش درباره قاتل خود گفت: اگر زنده ماندم خود می دانم و اگر در گذشتم کار به دست شماست، اگر در گذرید به تقوا نزدیک تر است!...

- جبران خلیل جبران:

علی بن ابی طالب از این دنیا چشم فرو بست، مانند آن پیامبران که به قومی مبعوث می شدند و آن قوم شایستگی آن پیامبران را نداشتند، و در جوامعی زندگی می کردند که جوامع آنان نبوده است...

- میخائیل نعیمه

در واقع هیچ مورخ و نویسنده ای به هر اندازه که باهوش و با شخصیت و نکته سنج و نابغه باشد، امکان ندارد که حتی در هزار صفحه بتواند تصویر کاملی از علی نشان بدهد. آنچه که این شخصیت بزرگ، بین خود و خدای خود گفته و عمل کرده از اموری است که هرگز هیچ گوشی و هیچ چشمی مانند آن را نشنیده و ندیده است، بنابراین هر تصویری که ما از او ترسیم کنیم مسلماً تصویری ناقص خواهد بود، تنها چیزی که ما به آن امیدواریم، جنبش و تکانی است که به زندگی ما می دهد.





دروازه بهشت

از حرم که برگشتیم، بعد صرف صبحانه آقای نوروزی توی لابی هتل اعلام کرد که گروه ۴ ساعت ۱۰ جمع شوند برویم "وادی السلام". خیلی استقبال کردیم چون سفر قبل که توفیق زیارت عتبات را داشتیم، ما را وادی السلام نبردند. گفتند امنیت ندارد. ماهم حرف گوش کن بودیم و مثل بعضی ها انفرادی و سر خود نرفتیم. هر چند بعدش که فیلم "صبح روز دهم" را توی جشنواره فیلم فجر دیدیم - قسمت هایی از فیلم توی وادی السلام فیلم برداری شده بود - حسای خلویت و خوفناک بودن آنجا دستگیرمان شد. (فیلم عصر روز دهم چون ایام محرم توی کر بلا فیلم برداری شده، دیدنش رو توصیه میکنیم، قسمت هاییش هم توی بین الحرمینه) رفتیم اتاق آماده شویم که نوای دلنشین یک دسته عزاداری ایرانی ما را به سمت پنجره کشاند. خیلی جالب بود، دسته عزاداری دانش آموزی بود که ظاهراً می خواستند برای وداع بروند حرم امیرالمؤمنین و بعد سمت جاده کر بلا سر بند زرد داشتند و پرچم های سیاه "یالثارات الحسین". محزون می خواندند. تو این لحظه بود که متوجه نکته ای شدیم؛ برای اولین بار بود که پشت پنجره اتاق رفته بودیم و بیرون را می دیدیم. شب قبل که رسیدیم هتل، تو اون تاریکی چشم جایی را نمی دید. به یکباره منظره ای دیدیم که اولش نفهمیدیم کجاست. بیشتر که دقت کردیم فهمیدیم بله! هتل ما رو بروی وادی السلام است و پنجره اتاق ما دقیقاً مشرف به آن. بالاخره حول و حوش ساعت ۱۰ گروه را می شد سمت وادی السلام، چقدر شلوغ بود. شاید به خاطر همین شلوغی است که می شود رفت! فضا سنگین بود. بسیاری از مقبره ها به شکل اتاق های زیرزمینی بودند که در آن چند قبر وجود داشت. اجساد چندین متر زیر اتاقک های زیرزمینی خاک شده بودند و به یادشان تنها سنگ قبرهایی در دیوار این اتاقک ها وجود داشت. بستنی بلندی قبرها آدم را می گرفت. مقبره ها قدیمی و کاهگلی بودند. جالبه بعضی از قبرها بناهایی بودند حیاط دار. مثل یک خانه درخت و پشت بام داشتند.



تمام
چیزها یکی
که از این مکان
شنیده بودم در ذهنم
جان می گرفت. شهر خاموشان
و صالحان. امام علی (علیه السلام)
می فرمایند: در این سرزمین ارواح مؤمنان

دسته دسته با یک دیگر صحبت می کنند و هر مؤمنی
در هر جایی از زمین بمیرد به او گفته می شود: «به وادی السلام
ملحق شو که وادی السلام جایگاهی از بهشت است».

از امام صادق علیه السلام هم نقل شده هر مؤمنی که در شرق یا غرب عالم بمیرد،
خداوند روحش را به وادی السلام می برد. از این قبرستان خداوند هفتاد هزار نفر را بدون حساب
وارد بهشت می کند. به یکباره یاد خیرهای حمله امریکا به عراق، تیراندازی به سمت وادی السلام و هتک
حرمش افتادم. مسیر به سمت مرقد حضرت هود و صالح نبی شلوغ بود. چون از دحام زیاد بود داخل نرفتیم و چند
دقیقه ای رو بروی بقعه ایستادیم. زائرین کشورهای دیگر هم آنجا بودند. بعد از آنجا به سمت مدفن آقای قاضی حرکت کردیم.
کنار قبر آقای قاضی یک سید جوان روحانی ایرانی نشسته بود و درباره مقام معنوی ایشان صحبت می کرد، مقداری هم
موعظه نمود. اتاقکی کنار قبرشان وجود داشت که درش قفل بود. می گفتند اینجا محل مراقبه ایشان بوده. عکس
آقای قاضی هم سر در اتاقک نصب بود. به قول دوستی، چشم های آقای قاضی حتی توی عکس هم نافذ
است. انگار دارد تک تک زائرینش را برانداز می کند و باطن شان را می بیند. در این قبرستان علاوه
بر قبور اهالی عراق و علما و انبیا، قبور مردم مختلفی از ایران، هند، پاکستان، لبنان و ... هم
دیده می شود مانند رئیس علی دلواری از دلیر مردان تنگستان بوشهر که در تبرد
با انگلیسی ها کشته شد. نزدیک ظهر بود و تلخی نرسیدن به نماز صبح
حرم در خاطرمان. سریع به هتل برگشتیم و آماده رفتن به حرم
شدیم. نزدیک حرم همان شلوغی و ازدحام بود به اضافه

تلی از دمپایی و کفش جلوی ورودی آقایان. یاد
آیه "فاخلع نعلیک" افتادم. مثل بقیه
دمپایی ها رو به گوشه گذاشتم
و از باب الفیل وارد حرم
شدم.



خطی روشن

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلتهای نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده می‌کند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است.

در جنگ صفین وقتی طرف مقابل که احساس میکرد دار دشکست میخورد، برای اینکه جنگ را متوقف کند، قرآن‌ها را سر نیزه کرد، یک عده‌ای آمدند دور امیرالمؤمنین را گرفتند و فشار آوردند که باید تسلیم شوی و جنگ را تمام کنی؛ اینها قرآن را مطرح کردند. کار مزورانه‌ای بود، کار عجیبی بود. حضرت فرمود: شما اشتباه میکنید؛ شما اینها را نمیشناسید. این کسانی که امروز قرآن را به عنوان حکم مطرح میکنند، به قرآن اعتقاد ندارند. من اینها را میشناسم. «آنی عرفتهم اطفالا و رجالا»؛ من دوره‌ی کودکی اینها را دیدم، دوره‌ی بزرگی اینها را هم دیدم. «فکانوا شرّ اطفال و شرّ رجال»؛ بدترین‌ها بودند. اینها به قرآن اعتقادی ندارند. وقتی در تنگنا گیر میکنند، قرآن را مطرح میکنند. البته آنها گوش نکردند، اصرار ورزیدند و دنیای اسلام خسارتش را خورد.

امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است. امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد میشوند، با ابزارهای اخلاق وارد میشوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که میخواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که میخواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و یک سال اینها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه‌ی ما باید بدانیم.

امیرالمؤمنین در آن لحظه‌ی فریب و فتنه، به دوستان خود نهب می‌زند: «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ این راه حقی که در پیش گرفتید، این حرکت صادقانه‌ای که دارید انجام میدهید، این راه را از دست ندهید و رها نکنید؛ با حرفهای فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان، در دل شما تزلزل به وجود نیاید؛ «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ راهتان راه درستی است. خاصیت دوران فتنه - همان طور که بارها عرض کرده‌ایم - غبار آلودگی است، مه آلودگی است. نخبگان گاهی دچار خطا و اشتباه میشوند. اینجا شاخص لازم است. شاخص، همان حق و صدق و بینه‌ای است که در اختیار مردم قرار دارد. امیرالمؤمنین مردم را به آن ارجاع میداد. امروز ما هم محتاج همان هستیم.

اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی یا دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام میگوید فریب دشمنان را نباید خورد. این، خطر روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خطر روشن را احتیاج داریم.

ولی امر مسلمین

فصل قافله عشق

قافله عشق در سفر تاریخ است و این تفسیری است بر آنچه فرموده اند: کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا... این سخنی است که پشت شیطان را می لرزاند و یاران حق را به فیضان دائم رحمت او امیدوار می سازد.



حکمت پیاده روی اربعین

سؤال می‌کنند: آقا! این همه وسایل نقلیه هست، چه فایده دارد شما پیاده راه می‌افتید می‌روید؟ این چه کاری است؟ چه زحمتی به خودتان می‌دهید؟

جوابش این است که این یک نوع ابراز عظمت امام حسین (ع) است. عیناً در روایات داریم ائمه پیاده از مدینه می‌رفتند مکه. امام سجاد (ع) بیست و پنج سفر شاید با پای پیاده رفت. گاهی مرکب هم همراه خودش می‌بردند. به دو فایده؛ یک فایده اگر وسط راه ناچار شوند سوار بشوند، دیگر اینکه بگویند از بی‌مرکبی نیست که ما پیاده می‌رویم، مرکب هم داریم و پیاده می‌رویم، این به احترام امام حسین (ع) است.

این یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ ابا عبدالله (ع) است. این پیاده رفتن، این دلیل بر این است. و لذا این پیاده روی اربعین خیلی در دنیا صدا می‌کند؛ و تبلیغ خوبی برای عالم تشیع و عالم اسلام است. یکی از مبلغ‌های بسیار خوب است.

می‌دانید که در ایام اربعین، اجتماع در کربلا، از عاشورا بیشتر است، انبوه جمعیت خیلی بیشتر است. آن وقت عدد زیادی پیاده، زن، بچه، یا اینکه خطراتی هم احتمال می‌دهند تهدیدشان بکند، باز هم عازم این سفر می‌شوند. این دلیل بر این است که واقعاً عاشق این مکتب هستند. تنها عشق است که آنها را به این سمت و سومی برد. بنابراین این ایراد یک ایراد

بی دلیل و بیهوده‌ای هست و آثار و برکات را می‌بینند در عین حال باز ایرادی می‌کنند، خیلی دلیل بر بی اطلاعی است.

و اما یک خاطره نیز از این سفر برایتان عرض کنم چرا که تا کنون، دوبار توفیق پیاده روی از نجف تا کربلا را از مسیر شط (رودخانه) که حدود ۲۰ کیلومتر طولانی‌تر از مسیر کنونی نجف کربلاست و حدود ۳ روز به طول می‌انجامد؛ داشته‌ایم:

در راه وقتی به یکی از این مضعیف‌ها رسیدیم، صاحب مضعیف دعوت و اصرار کرد که مهمان او بشویم و آنجا استراحت کنیم، به او توضیح دادیم که چون امروز کم راه رفته‌ایم و باید مسافت بیشتری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم، پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مضعیف که معلوم بود چند وقتی است که مهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است، ناگهان چاقویش را در آورد و تهدید کرد که من مدتی است مهمان برایتان نیامده است و شما حتماً باید مهمان ما بشوید! اینقدر مهمانی کردن زائر امام حسین (ع) در نزد اینها اهمیت و ارزش داشت... البته بالاخره بعد از اینکه توضیح بیشتری برایش دادیم و قول دادیم که از طرف او زیارت کنیم، اجازه داد که ما

برویم.

آیت الله مکارم شیرازی



روضه

راوی گوید: چون زنان و اهل بیت و عیال امام حسین علیه السلام از شام محبت فرجام آهنگ سرزمین خود نمودند و به عراق رسیدند، به راهنمای کاروان که ملازم رکاب بود، فرمودند: ما را از راه کربلا بپر. پس چون به جایگاه شهدا و دیار غریبان و قتلگاه شهیدان رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جماعتی از بنی هاشم را دیدند که با جمعی از آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده‌اند و در یک زمان آن بی‌کسان، با جابر و خویشان، در آن رشک جنان، ملاقات نمودند و به اتفاق هم به گریه و زاری و ناله و سوگواری پرداختند، چنانکه زخم دلها را تازه نمودند و آتش دلهای کباب، را به اشک دیده‌های بی‌خواب، سیراب کردند و سینه‌های تنگ را به ناخن و چنگ خراشیدند. در این هنگام زنان اهل آن وادی بر گرد ایشان فراهم آمدند و چند روزی را در ماتم خانه، عزاداری نمودند.

لهوف - سید بن طاووس

تاریخچه پیاده روی اربعین

از هنگامی که نخستین زائر مضع منور اباعبدالله الحسین (ع)، جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین از مدینه به سمت کربلا رهسپار شد تا کنون ۱۳۷۴ سال می گذرد. در این سال ها علما و اولیای الهی برای زیارت سیدالشهدا (ع) در روز اربعین اهمیت و جایگاه والا یی قائل بودند و با پای پیاده از نجف اشرف به سوی کربلا رهسپار می شدند، بی شک جابر بن عبدالله، نخستین زائر کربلا یی معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است، این سنت حسنه نیز در سال های حضور ائمه معصومین (ع) با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام شده است.

در برخی از روایات تاریخی بیان شده است که زیارت کربلا با پای پیاده در زمان «شیخ انصاری» متوفی سال ۱۲۸۱ قمری) رسم بوده است، اما در برهه ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده می شود که در نهایت توسط «شیخ میرزا حسین نوری» دوباره احیا می شود. این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده روی از نجف تا کربلا اقدام کرد که ۳ روز در راه بود و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیان نیز وی را همراهی می کردند. «محدث نوری» از آن پس تصمیم گرفت، هر سال این کار را تکرار کند، ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم اباعبدالله حسین (ع) رفت.



نتایج تحقیقات نشان می دهد پیاده روی مراجع و علما تا زمان صدام ادامه داشته است، اما از زمانی که او در سال ۱۳۵۸ (۱۴۰۰ قمری) به ریاست جمهوری عراق رسید تا زمانی که در سال ۱۳۸۱ شمسی (۱۴۲۴ قمری) سقوط کرد، وقفه ای در اجرای مراسم عزاداری با شکوه و پیاده روی های دسته جمعی ایجاد شد، هر چند که برخی اخبار حکایت از پیاده روی مخفی مردم در زمان صدام داشته است که گاهی منجر به شهادت این افراد توسط نیروی های بعث شده، اما مردم عراق با سقوط صدام، بار دیگر عشق و علاقه و صف ناپذیر خود به امام حسین (ع) را طی این ۱۰ سال به جهانیان ثابت کرده اند که در کنار دیگر محبان و شیعیان اهل بیت از کشورهای ایران، لبنان، پاکستان، هند، لبنان، قطر، امارات، کویت، بحرین و... مراسم اربعین حسینی را با شکوه تر از سال قبل اجرا می کنند.



رکورددار پیاده روی نجف تا کربلا

بیش از ۱۳ قرن از واقعه جانسوز عاشورا می گذرد. کربلا که در نخستین اربعین حسینی شاهد حضور جابر بن عبدالله انصاری بود، بعد از آن نیز عاشقان دیگری را زیارت کرد که با پای پیاده از اقصی نقاط جهان در سالروز اربعین سید و سالار شهیدان سراسیمه همراه با عشق آتشین به مولای خویش رهسپار سرزمین حسینی شدند.

این سنت حسنه از چنان اهمیت والا یی برخوردار است که صادق امت رسول (ص) این چنین از ارزش پیاده روی به سوی حرم مطهر اباعبدالله الحسین (ع) سخن می گوید: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود، خداوند به هر قدمی که بر می دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد، وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موكل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد است را نویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش هستی، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد کرد. (کامل الزیارات ص ۱۳۴)

در این میان علمای بزرگوار ی بودند که با وجود مشکلات زیاد مسیر کربلا، خطرات راه جان می خریدند و از نجف تا کربلا راه گام با پای برهنه طی می کردند. سید آزادگان حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی از جمله آن هاست، وی در خاطرات خود چنین بیان می کند: «در دوران طلبگی در شهر نجف بیش از ۱۰۰ مرتبه این مسیر را پیاده به عشق زیارت امام حسین (ع) طی کرده ام». عشق و علاقه حجت الاسلام ابوترابی به حدی بود که پس از آزادی با وجود بسته بودن مرز کربلا در سال ۱۳۷۲، برای نخستین بار و در مرز خسروی، مراسم قرائت دعای عرفه را برگزار کرد.

وی با جمعیت اندکی بنایت باز شدن راه کربلا و پیمودن مسیر زیارت، با پای پیاده از تنگه مرصاد تا مرز خسروی را به مدت ۳ روز پیاده طی کرد.





ما واقعاً به ثواب زیارت کربلا محتاج هستیم

توصیف‌ها و پیشنهادهای خواندنی پناهیان برای زائرین پیاده‌اربعین

همه ما باید عمیقاً بفهمیم چرا زیارت قبر ابا عبدالله (ع) این قدر ارزش و اهمیت دارد؟

- جدا از جنبه‌های اجتماعی و آثار عظیمی که زیارت کربلای ابا عبدالله (ع) به ویژه در تجمع ایام اربعین، در عالم به جای می‌گذارد، نکته مهمی که زائرین و راهبان کربلای معلی باید مورد توجه قرار دهند، جنبه‌های معنوی این زیارت بابرکت است.
- همه ما باید عمیقاً بفهمیم چرا زیارت قبر ابا عبدالله (ع) این قدر ارزش و اهمیت دارد؟ فهم عمیق این معنائیل به یک شرافت و توفیق بزرگ الهی است، که باید آن را از خدا تمنا کرد و با مطالعه و تحقیق صرف به دست نمی‌آید. ما می‌توانیم احادیثی را در این باره مطالعه کنیم، اما اینکه به فهم عمیق آن برسیم توفیق ویژه‌ای می‌خواهد.
- به عنوان مثال حضرت امام (ره) درباره عظمت عزاداری‌های ابا عبدالله (ع) و دسته‌های عزاداری مطالبی را بیان می‌کنند (صحیفه امام/ ج ۱۱/ صص ۹۸ و ۹۹) که انسان احساس می‌کند خیلی هانمی‌توانند این عظمت را به این وضوح و عمق ببینند و درک کنند. گویی حضرت امام (ره) شهودی دیگر از عظمت عزاداری داشتند که در کلمات نمی‌گنجد. کلمات ایشان سرشار از غیر قابل وصف بودن آثار با عظمت این عزاداری‌هاست. هر قدمی که برای زیارت ابا عبدالله (ع) بر می‌داریم برای ما مغفرت است. ما همیشه به استغفار نیاز داریم و زیارت کربلا خصوصاً با پای پیاده، یک فرصت استثنایی برای مغفرت است.



بهترین سفر دنیا



یک نکته مخصوصاً برای جوان‌ها، پیر مردها شاید برای‌شان سخت باشد، ولی آن‌ها را هم تشویق می‌کنم. برنامه‌ای بریزید، دوسه روز قبل از اربعین به نجف بروید. بعد از آن جا پیاده بروید کربلا، بنده سفرهای بسیار زیادی کرده‌ام، ولی هیچ سفری مانند سفر پیاده به کربلا سراغ ندارم. یواش یواش بروید. اگر یک روز و نیم طول می‌کشد، شهادت روز و بروید، سه‌روزه بروید. اثر عجیب و غریبی دارد. در میان راه، اعراب به

زوار بسیار محبت می‌کنند. هر کس هر طور که بلد است به زوار کمک می‌کند. تنها برای امام حسین علیه‌السلام این کارها می‌کنند. مانند ماساژ دادن، غذا و جادادن و... زمانی که انسان فکر می‌کند می‌بیند، در همین راه بچه‌های امام حسین علیه‌السلام را ببینان کتک زده‌اند. حتی اگر انسان میلیاری هم خرج کند، می‌ارزد. همه چیز برای انسان عوض می‌شود. شنیده‌ام که برخی از بزرگان مثل آیت‌الله سید محمود شاه‌رودی اعلی‌الله مقامه الشریف که از مراجع بودند، به تعدد مسیر نجف تا کربلا را پیاده رفته‌اند. خیلی دیدنی است. یکی از برادران عراقی می‌گفت: در بین ما رسم است که یک قلک برای امام حسین علیه‌السلام داریم و نصف درآمد خود را در آن می‌ریزیم تا در روز اربعین امام حسین علیه‌السلام خرج کنیم، تا وقتی که زوار امام حسین علیه‌السلام می‌آیند کمتر اذیت بشوند.

حجت الاسلام والمسلمین اقا تهرانی

• امام صادق (ع) به یکی از دوستان خود می فرماید: قبر حسین (ع) را زیارت کن و ترک مکن، پرسیدم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالای می برد. بر اساس روایات مختلف، هر قدمی که برای زیارت ابا عبدالله (ع) بر می داریم برای ما مغفرت است و طلب مغفرت هم چیزی نیست که مافقط در برخی لحظات خاص، یا به مقدار محدود به آن نیاز داشته باشیم، بلکه ما همیشه به استغفار نیاز داریم و زیارت کربلا، خصوصاً با پای پیاده یک فرصت استثنایی برای مغفرت است. وقتی رسول خدا (ص) روزی صد مرتبه طلب مغفرت می کردند (رسول اکرم (ص) فرمود: هر روز بر روی قلبم غبار می نشیند، تا اینکه (برای برطرف کردنش)، روزی صد مرتبه استغفار می کنم؛ إِنَّهُ لَيَغَانُ عَلَيَّ قَلْبِي حَتَّى أَسْتَغْفِرَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ؛ مستدرک الوسائل ۵/ حدیث ۵۹۷۸)، تکلیف ما مشخص است.

• طلب مغفرت چیزی نیست که حدی داشته باشد و بعد از آن دیگر نیازی به استغفار نداشته باشیم. با هر طلب مغفرت، موانعی بین ما و خدا بر طرف می شود و راه بازی می شود و نور و شایستگی می آید. آدم باید نسبت به طلب مغفرت حرص باشد. مغفرت یک مسأله تمام شدنی نیست. هر چقدر هم که پاک شویم باز هم به مغفرت نیاز داریم. چون پاک شدن یعنی خدایی شدن و این انتها و پایان ندارد؛ بلکه یک جریان مستمر است. مژده رسول خدا (ص) به زائرین پیاده حسین (ع)، گناهان گذشته شما بخشیده شد، حالاً یک زندگی تازه را شروع کنید

• بر اساس روایت فوق، مژده رسول الله (ص) به زائرین پیاده حسین (ع) این است که: «تا امروز تو آنچه (گناه) بوده است بخشیده شد، پس برو عملت را از سر بگیر و زندگی تازه ای را آغاز کن.» چه کسی به چنین مژده ای بی نیاز است؟ سفر کربلا به خصوص اگر با پای پیاده باشد، سفر پاک کننده روح از آلودگی هاست/ این سفر را به یک سفر تزکیه ای برای خودتان تبدیل کنید

• سفر کربلا به خصوص اگر با پای پیاده باشد، سفر پاک کننده روح از آلودگی هاست، لباس عزای ما و لباس سیاهی که برای عزای امام حسین (ع) در ایام اربعین می پوشیم این را به نوعی لباس احرام برای خود ببینیم. باید این سفر را سفر پاکی های بینیم تا بهره بیشتری از آن ببریم. اثر امور معنوی بر روح انسان مانند اثر دارو (مثل قرص آنتی بیوتیک) بر جسم انسان نیست که اگر اثر آنها را دیدنیم یا ندانیم به هر حال اثر خود را بر بدن بگذارند، در مورد امور معنوی هر چه معرفت و درک بیشتری داشته باشیم اثر بیشتری بر روح ما خواهند داشت.

• بعضی ها می پرسند: ما که عازم کربلا هستیم چه کار کنیم تا بهره بیشتری ببریم و چه قدماتی باید به لحاظ روحی فراهم کنیم؟ همین احساس نیاز به مغفرت، احساس حضور در محضر ائمه هدی (ع) و مصاحبت با پروردگار عالم، اینها مقدمات فکری و روحی بسیار خوبی هستند. این دیگر هنر شماس است که این سفر را به یک سفر تزکیه ای برای خودتان تبدیل کنید.

احساس زیبایی دیگری که زائرین کربلا دارند، احساس شرمندگی نسبت به ابا عبدالله (ع) است. وقتی می بینیم که حسین (ع) برای آمرزش ما چه هزینه سنگینی پرداخته است، شرمنده می شویم.

• غیر از این احساس زیبایی که در طول سفر کربلا خواهید داشت، یک احساس دیگر نیز در این سفر معنوی می توانید داشته باشید و آن احساس شرمندگی نسبت به ابا عبدالله (ع) است. اینکه بگوییم: یا ابا عبدالله (ع) شما این همه زجر در راه خدا متحمل شدی و این همه شکنجه ای که بچه هایت شدند، در مقابل ما کاری برای تو و در راه خدای تو انجام ندادیم؛ از طرفی ما را به واسطه محبت تو می بخشند

برای شرمندگی ما تا ابد بس است. وقتی می بینیم که حسین (ع) برای هدایت ما چه هزینه سنگینی پرداخته است، شرمنده می شویم و این در حالی است که می بینیم ما هیچ کاری برای حسین (ع) نمی توانیم انجام دهیم. ما واقعاً به ثواب زیارت کربلا محتاج هستیم. وقتی در روز جزا، از کوچکترین گناهان هم نمی گذرند، (وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ زلزال ۸/) و از سسوی دیگر وقتی می بینیم هیچ پاک کننده ای مانند اشک بر ابا عبدالله (ع) و زیارت قبر ابا عبدالله (ع) نیست، واقعاً خودمان را به این زیارت و به این عزاداری محتاج می بینیم. انشاء الله این توجه معنوی بالا برود.

آثار معنوی زائران پس از بازگشت به اطرافیان و جامعه هم می رسد...

• همین که شما زائرین به کربلا بروید و بیایید تمام آثار معنوی شما به شهر و جامعه هم خواهد رسید. حالاً حساب کنید اگر این جمعیت کثیر برای زیارت اربعین به کربلا بروند و باز گردند چه آثار معنوی عظیمی برای اطرافیان و جامعه به دنبال خواهد داشت؟! البته تحلیل این آثار کار ساده ای نیست. مگر کسی به این سادگی فهمیده است این سخن امام را که فرمود: «الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها و با این روضه ها و با این مصیبتها و با این سینه زنیها ما را حفظ کرده اند؛ تا حالا آورده اند اسلام را!» (صحیفه امام/ ج ۸/ ص ۵۲۶)؟ خداوند در مورد شما می فرماید: «وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد ۴) خداوند کسانی را که در راه خدا به شهادت می رسند عملشان راتبه نخواهد نکرد (و اثر ویژه ای به اعمال آنها می دهد) قطعاً این اثر در مورد ابا عبدالله (ع) در اوج است. ما هم می توانیم خودمان را در شعاع اثر خون ابا عبدالله (ع) قرار دهیم و از این اثر ویژه برخوردار شویم. همه کسانی که انشاء الله در ایام اربعین حسینی عازم کربلا هستند، حتماً به این بُعد سفر و به جنبه پاک کننده آن توجه داشته باشند. یعنی تنها جنبه محبت و رابطه عاشقانه با اهل بیت (ع) را در نظر نگیریم؛ خودمان و گناهانمان و شرمندگی خود را فراموش نکنیم. این خیلی آثار و برکات دارد که ما از نظر معنوی به شدت خودمان را محتاج به این سفر بدانیم، و خودمان را به شدت نیازمند به این مغفرت و غفران الهی بدانیم.



لیک یا حسین

برای اولین بار قرار شد کل مسیر نجف تا کربلا را به اتفاق یک جمع چهل نفره پیاده برویم. به دهنم رسید که برای اینکه توی جمعیت یک نشانه‌ای داشته باشیم و همراهان کاروان بتوانند همدیگر را پیدا کنند، باید یک پرچم متفاوت داشته باشیم. به مسئول هتل سپرده بودم که یک چوب پرچم و نوشته برایمان جور کند.

بعد از نماز صبح، دسته جمعی مجدداً همان دور زیارت وداع امیر المؤمنین (ع) را خواندیم و راه افتادیم. مسئول هتل کاری نکرده بود و نگرانی کم کردن همدیگر در این جمعیت باقی بود. تا اول جاده که موکب‌ها بودند، یک ساعتی راه بود و رفا صبحانه نخورده بودند. به بهانه آخر بد صبحانه با یکی از بچه‌ها جدا شدیم. بعد از کمی جستجو بالاخره یک پارچه فروشی پیدا کردیم و کمی بعدتر مغازه میله پرچم را هم پیدا کردیم. دو میله ۴ متری خریدیم. مغازه خیاطی بسته بود، اما یک تعمیر کار کفش وسط خیابان بساطش را پهن کرده بود و ماشین دوخت هم داشت. قبول کرد کناره پارچه را بدوزد.

اما مغازه‌های خطاطی همه بسته بودند و در مسیر پیاده روی اربعین بودند. یاد آمد که استاد نجابتی - استاد و مدرس گرافیک در دانشگاه هنر، که لابد خطاطی هم بلد است - همراه جمع ما بود. چندتا ماژیک قرمز خریدیم و با صبحانه راه افتادیم. بالاخره بعد از چند ساعت خودمان را به کاروان رساندیم. کمی که راه رفتیم، بچه‌ها در یکی از موکب‌ها برای استراحت و نماز ظهر توقف کردند. استاد نجابتی هم - که یک پارچه

دور سرش بسته بود و دیدنی شده بود - آستین‌ها را برای وضو گرفتن بالا زده بود. استاد کم حرف بود. من هم آشنایی و شناخت قبلی چندانی از استاد و روحیاتش نداشتم. نمی‌دانستم اهل خطاطی هستند و با این وسایل و در این شرایط قبول می‌کنند یا نه. با اینکه پر حرف هستیم، هیچ حرفی نزدیم. پارچه سفیدی که خریده بودم را در یک فضای خالی پهن کردم. بعد یک نگاه به استاد کردم. استاد هم انگار منتظر این بود که یک کاری برای امام حسین (ع) بکنند، نه گذاشت، نه برداشت، گفت: مداد یا خودکار هست؟

بعدها فهمیدم استاد در جبهه به همین شیوه صحرایی خطاطی می‌کرده. مداد و خودکار جور شد. متن نوشته را هم خودشان پیشنهاد کردند: «لیک یا حسین». ادامه داستان - که قسمت قشنگ داستان است، توسط یکی از هم‌کاروانی‌ها ضبط شد که توی مستند

«با اهل العالم» بخش‌هایی از آن پخش شد. این پرچم بلند که ارتفاع میله‌اش ۴ متر بود، برای همه کاروان خیلی خاطره‌انگیز شد. چه گم شده‌هایی که با این پرچم پیدا شدند و چه دعوای دوستانه‌ای که بر سر به دست گرفتنش نشد. بعد از سفر، استاد وعده کرد که نسخه با کیفیت این پرچم را بازطراحی کند تا در کارهای اربعینی و حسینی برای عموم قابل استفاده باشد.



یادداشت‌های یک همسفر جاسمانده...

منم سال گذشته توفیق داشتم همسفر کاروان عاشقان پیاده روی اربعین باشم. دیدم بدن نیست برخی تجربه‌هایی که برای این سفر، خیلی ضروری می‌دونم باها ت در میان بگذارم شاید به دردت خورد. همه احتمالا توصیه‌های زیادی بهت داشته‌اند که مثلا چی همراه ببری و چقدر بار داشته باشی یا چه کفشی بپوشی و چی بخوری و چی نخوری و باحتی قرص ایبوپروفن برای عضله درد...

اما جنس حرفایی که می‌خوام بگم به جور دیگه است. حرفایی که وقتی از سفر برگشتم بارها اونا رو با خودم مرور کردم و خودمو سرزنش کردم که چرا به اونا کم توجهی کردم و شاید خودتم سال دیگه یا حتی بلافاصله بعد از برگشتن از سفر اونا رو بارها با خودت مز مزه کنی و افسوس بخوری. زمانی که دیگه به کم دیر شده و پشیمونی فایده‌ای نداره. ما امتحان شدید، شما امتحان می‌شی همه امتحان می‌شن مهم اینه که بتونیم تو این امتحان موفق باشیم. اصلا فرض کن می‌خوام نمونه سوالاتی امتحان پار سال رو برات فاش کنم!

می‌خوام وقتی رسیدی و دیدی حرم مولا امام حسین (ع)، با حرم امامزاده حسین فرق چندانی برات نداره و قلبیت خاشع و محزون نمیشه یا رسیدی و احساس کردی اون برداشت معنوی لازم رو از این سفر نمی‌بری و یا برگشتی و حسرت خوردی، بعدا انگلی کسی نبود بهم بگه! به هر حال اگه این مطالب خوندی و احساس کردی که به دردت نمی‌خوره که هیچ، اما اگه احساس کردی به دردت می‌خوره قول بده نایب‌الزبانه ماهم باشی و دعا کنی که آقامون مارو هم ببذیرن و توفیق انجام رسالت و مسئولیت شیعه بودنمون از مون سلب نشه.

۱) راستی اصلا می‌دونی مهمترین انگیزه و هدف از این سفر و این پیاده روی چیه؟ واقعا شده بشینی و فکر کنی برای چی به این سفر اومدی؟! این که می‌گم بشینی و فکر کنی، منظورم اینه که اولاً باید آگاهانه باشی و ثانیاً در بایستی یا خودتو بذاری کنار و کاملاً صادقانه به

خودت جواب بدی. چرا اومدی؟ برای ثوابش؟ نکنه حاجتی داری؟ شایدم اومدی خودتو برای به عمر بیمه کنی؟ برای هدایت و مغفرت اومدی؟ شایدم می‌خوای آخرت و بهشتتو بیمه کنی؟ یا نه جواب می‌دی برای عشقم اومدم؟ عشقم حسین؟...

خب همه اینا خیلی خوبه و همش مستلزم ثواب و پاداش الهیه ولی دقت کردی همه این انگیزه‌ها واسه خودته؟ حاجت من!... ثواب من!... عشق من!... پس کومولا؟ چند درصد انگیزه و هدف مال خود خود خود امام حسین؟ شاید بیرسی چطور می‌شه طوری هدفگذاری کرد که اصلا پای «من» در میان نباشه و هر چه هست همه «او» باشه؟ مگه اصلا امام حسین (ع) به زیارت ما احتیاج داره که برای ایشون بیاییم زیارت؟

جواب این سوال خیلی مفصله و البته خودتم بهتر از من می‌دونی، ولی همینقدر بهت بگم اگه فکر می‌کنی عاشورا فقط یک حادثه و مصیبتی بود که در یک برهه زمانی خاصی اتفاق افتاده و ربطی به زمان حاضر نداره و وظیفه ما فقط عزاداری است و بس، که هیچ! برای خودت بیاز یارت! اما اگه نگاهت به عاشورا به مثابه یک نهضت جاری یعنی یک جریان فکری عقیدتی و انقلابی است که از عاشورای سال ۶۱ شروع شده و تا حالا هم ادامه داره و قراره به ظهور مولا (عج) ختم بشه، قضیه فرق می‌کنه. در این صورت دیگه اتفاقات و وقایع سال ۶۱ رو مختص سال ۶۱ نمی‌دونی و در کل این جریان، جاری و ساری می‌دونی. خودتو در متن عاشورا حاضر و ناظر می‌بینی و معرکه درگیری جریان حسین و ولایت و حق و عدالت، با جریان اموی و ظلم و فساد و کفر، آشکارا در جلوی چشمان توست و در بی این هستی که موضوع خودتو در این تقابل جریانهار و شن کنی. پس نمی‌گی به جایی خوندم که امام حسین (ع) فرمودند: «هل من ناصر ینصرنی» بلکه دیگه می‌گی که گویا همین الان می‌شنوم که امام حسین (ع) می‌فرمایند: «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟» اونوقت در وسط این کارزار عاشورایی، تحمل روزمرگی این زندگی پر عافیت برات سخت می‌شه، امامم مرا می‌خواند! چطور می‌تونم سکوت کنم؟ چطور می‌تونم بی تفاوت و تنها نظاره گر باشم؟ اونوقت تصمیم می‌گیری که آگاهانه و عاشقانه و خالصانه در برابر فریاد یاری خواهی امام (ع) دست رو بلند کنی و بگی: من! من هستم مولا، تا آخرش هستم!... می‌دونی که یاری امام حسین (ع) در حقیقت یاری مرام ایشونه...

آره دوست من، سفر اربعین سفر بیعت و تعهد، سفر رسالت و بصیرت، سفری که باید همه اون «من» های قبلی رو قربانی این «من» آخری کنی. هدفت باید یاری امام حسین (ع) و مرام ایشون باشه و بس. چطور ی؟ چطور میشو بذار به عهده ولایت. تو فقط اعلام حضور کن بقیشو خودشون ردیف می‌کنن، تو فقط بگو که من اومدم بگم که به رسالت شیعه بودنم آگاهم و از این به بعد می‌خوام شیعه بودنم رو بطور دیگه‌ای تعریف کنم: «شیعه بودن یعنی تعهد عمیق به رسالت و نقش تاریخی ام نسبت به ولایت». اینطوری هدف و نیت می‌شه برای خود آقام حسین (ع). هم آقامون امام حسین (ع) و هم آقامون امام مهدی (عج). چرا که عاشورا و انتظار رابه هم پیوند زده‌ای و خودت رابه موج جریان عاشورا به ظهور سپرده‌ای.

۲) البته حتما خودت فکر کرده بودی که اینهمه راه می‌ری که وقتی به حرم آقار رسیدی چی بگی. اما واقعا آخرش که چی؟ این همه زحمت و پیاده روی و سختی که وقتی اونجا رسیدی چی بگی؟ بگی آقا! پول؟ شفا؟ خونه؟ دانشگاه؟ همسر؟ بهشت؟! همه اینا خوبه‌ها، بخواه، ولی یادت باشه اولین و مهمترین حرفی که حالا که بهش رسیدی و بعد از اینهمه عزاداری و نوکری، حضور می‌خوای به مولا بگی به چیز دیگه است. اومدی بهش بگی آقا منم هستم روی منم حساب کنید. قول من مثل قول کوفی هانیه‌ست. دیگه تحمل زندگی در دنیایی که انتقام خون تو گرفته نشده باشه برام خیلی سخت و طاقت فرساشده، اومدی بگی اگر چه کمی دیر ولی بالاخره رسیدم مرا هم مثل حر ببذیر.



اومدی تعهد بدی و رگ گردنت را به ضمانت بگذاری و بری. بگو می دونم و آگاهم که راهی که امروز در اون قدم گذاشته ام آخرش شیرینه. اونم از نوع «احلی من العسل»! در اینصورت لبخند رضایت آقا، دور از انتظار نیست. یادت باشه این فرصت رو به خاطر چند تا حاجت و خواسته معمولی از دست ندی! این حاجت ها رو از خونه تون هم بخوای بهت میدن. حواستو جمع کن. از بعین روز به که گفتند همه شیعه اونجا جمع شه. حتما خبر مهمیه که همه رو جمع کردن مهمتر از خواسته های شخصی من و تو. زرتنگ باش دوست من!!

۳) مراقب باش وقتی رسیدی گرفتار گناه عجب و خود بر تریبی نشی و از خودت خیلی خوشت نیاد. وقتی خسته و کوفته و باگرد سفر و پاهای تاول زده، اون هم با سابقه ای از نوکری اهل بیت، به کر بلار رسیدی و به زیارت امام (ع) رفتی خیال نکنی کاری کردی و حالا کسی شدی و امام (ع) هم حالا بد هکارت شده و حتما باید بهت جواب خاص بده. احساسات این نباشه که: یا ابا عبدالله من اومدم، من! من که به عشق تو سه روز دارم پیاده میام زیارتت!... دوست من بدان هر وقت که این احساس بهت دست داد بدان همه چیز رو خراب کردی و اگه توجهی بهت نکردند مقصر خودتی.

۴) نکته بعدی این که، وقتی پای صحبت اصحاب عرفان و معرفت می شینیم به چه مسئله در زیارت امام حسین (ع) تاکید زیادی دارند و اون هم رعایت ادب و تواضع و عدم خنده و شوخی و رفتارهای خلاف ادب محضر کر بلاست و اونو یکی از موانع مهم می دونند. کر بلا سر زمین حزن شیعه است و ادب کر بلا رعایت حالت حزن و اندوه است. اینهمه در طول عمر خود لهنو و لعب کردیم و رفتارهای شوخ و شنگی داشتیم و خوش بودیم سعی کنیم چند روز از این کار هادوری کنیم. بعدا هم فرصت برای این کار از یاد.

۵) بهترین رفیق راه ما مخصوصا در سه روز پیاده روی، استغفار مداوم، ذکر خدا، تفکر در مورد قیام عاشورا و چربی حضور مادر این سفر و البته نجوایی درونی و عاشقانه با امام حسین (ع) و یاران ایشان و شهدای کر بلاست. اینارو گفتیم که بعدا بگویی نگفتی.

۶) راستی! می گم نکته به وقت نیتت از این سفر خالص نباشه و خدای نکرده تفاخر و ریا و چشم و هم چشمی و از این مسایل باشه؟ نه! شما که از این مسایل خیلی بری هستید. ولی به هر حال نوع سفر طوریه که خیلی می تونه وسوسه انگیز باشه. پیاده رفتن برای زیارت امام حسین (ع)! اونم در روز ار بعین! اونم از نجف تا کر بلا! همه بهمون می گن خوش به حالتون، کلی احساس کیف و افتخار می کنیم! خیلی خطرناکه. حتی اگه نیتمون هم قبل و حین سفر، خالص باشه بعدا از سفر خیلی ممکنه دچار سمعه و عجب بشیم!



۷) همیشه و مخصوصا در طی این سفر خیلی به نماز اول وقت و جماعت اهمیت بدیم. یادمون باشه که به زیارت کسی می ریم که در سخت ترین شرایط و بایده ترین تهدیدات هم نماز اول وقت رو رها نکرد.

۸) تواضع در راه رفتن، رعایت ادب نسبت به همه، گذشت در مواقع خاص و مسایل اخلاقی از این قبیل خیلی مهمند مخصوصا هر چقدر که به مقصد نزدیک تر می شویم مهم تر هم می شوند. حواستون باشه گاهی یک رفتار اشتباه می تونه کل سفر ما رو خراب کنه، شیطان هم از این مسئله آگاهه و تمام تلاششو در این رابطه انجام می ده.

۹) یکی از دام های جالب شیطان در این سفر بر می گرده به ابراز ارادت هایی که اهالی محلی برای زوار ابا عبدالله الحسین (ع) می کنند و موب های فراوانی که در کل مسیر تقریبا به حالت غیر منقطع برای پذیرایی از شما زائران برپا کرده اند. انواع خدمات و پذیرایی ها و غذاها و نوشیدنی ها و میوه ها و تنقلات بدون هیچ منتی آماده ارایه به شماست.

نکته ای که می خواستیم بگم اینه که گاهی ممکنه گرفتار پر خوری و لذت پر کردن شکم بشیم. علمای گن پر خوری موجب قساوت قلب میشه و حس و حال معنوی رو از شما می گیره و معمولا یکی از توصیه های مهم در زیارتها مخصوصا زیارت کر بلا اینه که تامی تونید کم بخورید. فقط هم بحث پر خوری نیست حتی خلاف ادب زیارت کر بلا هم هست. توصیه می کنم در حداقل نیاز، از این غذاها استفاده کنید و بقیه اش رو فقط از دیدن ابراز ارادت عاشقان مولا لذت ببرید. حتی کمی گرسنگی و تشنگی هم بد نیست. بهتر یشو که ماهی سرخ شده باشه شما بارها خوردید و بعدا هم فرصت برای خوردن زیاد خواهید داشت، سعی کنید این فرصت محدود و استثنایی و این همه زحمت خودتون رو به خاطر ارضاء هوس شکم از دست ندید.

۱۰) در هنگام طی مسیر و پیاده روی، خیلی به آخر مسیر فکر نکنید و منتظر تموم شدن راه نباشید، این کار، هم شمارو خسته می کنه و هم تواضع و ادب شمارو کم می کنه (البته منظورم اشتیاق رسیدن به مقصود نیست که این ارزشمند، منظورم میل به تمام شدن پیاده روی است). بهترین کار در طی راه، استغفار و ذکر و تفکر و نجواست، مسیر خودش تموم میشه.

۱۱) می گم نکته به وقت خستگی یا سختی یا باطنی راه باعث بشه جابزنی و ابراز پشیمونی کنی، حتی به شوخی! اهل بیت هدیه با منت قبول نمی کنن! حواست باشه این بر خلاف ادب و موجب می شه خیلی از توفیقات رو تو ای این سفر از دست بدی. یا مثلا اگه قراره صورتت آفتاب سوخته بشه و بعدش توی دلت بگی... از همون اول کلاه آفتاب گیر بردار یا چفیه ببند به صورتت که بعدا به اه گفتن نیفتی. در مورد بقیه چیزا هم همینطور.

۱۲) همونطور که گفتیم خیلی مهمه که وسط کار جانزنی. لازمه ش هم اینه که فکر همه چی شو کرده باشی و آماده باشی. الحمدلله مسیر نجف - کر بلا به لطف خدا مسیر امنیه و مشکلی نیست. اما سوال اینه: فرض کن اگه حالا به ترورستی هوس کردی به ترفه کوچولو تر کنه این به اشتیاقات اضافه می کنه یا به ترست؟ سبب نمیشه تصمیم بگیری از وسط راه برگردی؟ قدم تو این راه گذاشتی فکر همه جاشو کردی؟ اصلا وصیت نامتو نوشتی که توش قید کرده باشی «خدا یا تورا شا کرم که شهادت در راه خودت و اهل بیت راروزیم نمودی؟» خیلی مهمه که قبلا فکر کرده باشی تا کجاش هستی. تا آخرش یا تانیمه راه؟

۱۳) آخرین نکته ای که می خواستیم بگم اینه که تو این سفر اگه به وقت نفسی تو پذیرایی و هتل و اتوبوس و... دیدی گذشت کن. سر بسته بگم، مهمه که بدونیم کجا بیم. بیشتر زمین های شهر کر بلا بخشی از معر که جنگ بوده و وجب به وجبش راوی حماسه و حزن و مصیبت و زیبایی و عشق بازی هاست. بدان که این ملک، ملکوت است، بر خاک قدم نگذاشته ای بر افلاک قدم گذاشته ای. (مهدی - م)

اطلاعات عمومی برای پیاده روی

- فاصله نجف تا کر بلا چقدر است و چه مدت پیاده خواهیم رفت؟

فاصله ی خروچی شهر نجف تا ابتدای شهر کر بلا حدود ۸۰ کیلومتر است. معمولاً این مسافت را در ۳ روز و ۲ شب طی میکنند. یعنی از صبح زود سه روز مانده به اربعین حرکت کرده و شب اربعین به کر بلا می رسند.

- آیا حتماً باید کد مسیر را پیاده برویم؟

خیر! هر چند که لحظه ی رسیدن به کر بلا به صورت پیاده لحظه ی فوق العاده ای است و تجربه ی طول مسیر باعث می شود خستگی از یاد انسان برود اما اگر زائری به هر دلیل قادر به طی کردن راه به صورت پیاده نباشد می تواند به وسیله خودرو و هابی که بین راه وجود دارد بقیه مسیر را با ماشین طی کند. این خودرو ها را از پیش آماده کرده است و معمولاً زائرین رابه صورت گروهی تا کر بلا می برند.

- آیا در طول مسیر از هم کاروانی ها جدا خواهیم شد؟

بستگی به توافق شما با هم کاروانی هایتان دارد. بعضی از کاروان ها به صورت گروهی حرکت می کنند و تا کر بلا با هم می رسند. برخی قرار می گذارند که مثلاً عصر اربعین یا شب اربعین فلان جا حضور داشته باشید.

- چه کنیم که در حرکت های گروهی و دسته ای گم نشویم؟

استفاده از پرچمی که به نوعی نشان دسته ی شما خواهد بود مطمئناً خوب است اما با توجه به اینکه این پرچم باید نسبتاً بلند باشد تا دیده شود دو تا مشکل اساسی دارد: اولاً اینکه کسی که این پرچم را حمل می کند مطمئناً انرژی زیادی از دست خواهد داد و باید این پرچم دست به دست شود. ثانیاً در طول مسیر تعداد پرچم ها خیلی زیاد است و تقریباً پیدا کردن پرچم کار ساده ای نیست. مگر آنکه رنگ و نوع پرچم خیلی متمایز باشد. تمام طول مسیر پیاده روی از خروجی نجف تا ورودی کر بلا تیر های چراغ برقی وجود دارد که شماره گذار ی شده اند. از ۱ تا ۱۴۶ هر کدام از این تیر ها با هم دقیقاً ۵۰ متر فاصله دارند. به نوعی خط نشان هستند که چقدر از مسیر راطی کرده و چه قدر باقی است. معمولاً برای اینکه هم کاروانی ها با هم قرار بگذارند از شماره های این تیر ها که سمت چپ یا راست مسیر پیاده روی قرار دارد استفاده می کنند.

- امنیت در طول مسیر چگونه است؟ آیا اینکه ما دوشب در طول مسیر هستیم امن هست؟

امنیت بین نجف تا کر بلا خیلی خوب است و در سنوات گذشته در این مسیر انفجار یا خرابکاری اتفاق نیفتاده است هر چند که در مسیر بغداد- کر بلا موردهایی از نقض امنیت وجود داشته است. اما مسیر پیاده روی نجف تا کر بلا جزء امن ترین مسیر های منتهی به کر بلاست و تقریباً می توان گفت از امنیت شهر نجف و همچنین مسیر آن تا کر بلا و شهر کر بلا مخصوصاً منطقه ای که اطراف حرمین است خیالتان راحت باشد

- چه کفشی باید بپوشیم؟

حتماً سعی کنید از کفش راحت استفاده کنید اگر کفش تان ذره ای پای شما را اذیت می کند این اذیت در آن حجم پیاده روی خیلی نمود خواهد داشت و مطمئناً در روز آخر که معمولاً پای انسان در اثر یک عکس العمل طبیعی تاول های کوچکی خواهد زد بیشتر اذیت خواهید شد. ذکر دوتخته اینجا ممکن است مفید باشد: عرب ها از دمپایی برای پیاده روی استفاده می کنند. احتمالاً حرکت با دمپایی به مراتب راحتتر از کفش نامناسب خواهد بود. همچنین معمولاً چند ساعت آخر پیاده روی که نزدیک شهر کر بلا خواهید شد به خاطر فشاری که کفش به پا خواهد آورد اکثر مردم پابرهنه راه خواهند رفت زیرا پابرهنه راه رفتن راحتتر از حرکت با کفش نامناسب است.

- ساک ها یمان را چه کنیم؟

سعی کنید از کوله پشتی استفاده کنید. راحتترین نوع بار جهت حمل در این مسافت کوله هایی است که کامل روی دوش قرار می گیرد. در غیر اینصورت از ساک های چرخدار که تحمل این مسافت را داشته باشند استفاده کنید زیرا اگر چرخ این ساک ها روی آسفالت مسیر حرکت دچار مشکل شود مطمئناً مجبور به حمل این ساک ها به روش های دیگر خواهید بود که کار را برای پیاده روی دشوار می کند. ممکن است با هماهنگی با دوستانتان کسی راضی شود که ساک ها را با ماشین های عبوری به کر بلا ببرد و آنجا منتظر شما باشد! اما سعی کنید تجربه ی پیاده روی را ولو با حمل ساک دستی از دست ندهید. برخی از اعراب از جعبه های میوه استفاده می کنند و یک سر طنابی را در آن حلقه کرده و سر دیگر در دست می گیرند. با کشیدن این جعبه از نجف تا کر بلا هم بار خود را در آن قرار می دهند و در بعضی موارد بچه های خردسال رابه وسیله این جعبه های میوه کشند. البته در کاروان ما بنیاست کلیه ساک ها از نجف بوسیله ماشین به محل اسکان در کر بلا منتقل شود.

- آیا نیاز به حمل مواد خوراکی داریم؟

خیر! تقریباً می توان گفت همه نوع خوراکی در طول مسیر به صورت رایگان در اختیار است! در خیلی از موارد صاحبان موبک ها (هیئت هایی که بین راه چادر زده اند) به اصرار شما را مجبور می کنند از خوراکی های آنها بردارید.

- در طول مسیر چه نوع لباسی مناسب است؟ آیا گرمای هوا زیاد است؟

با توجه به اینکه هم اکنون اربعین در زمستان قرار دارد گرمای هوا به هیچ وجه اذیت کننده نیست و علاوه بر آن در ساعات شب و همچنین صبح هوا خیلی سرد هم خواهد شد. و بهتر آن است که لباس گرم به اندازه کافی بردارید.



پایه پای حماسه می آیم...

- آیا برای پیاده روی پول همراهان باشد؟

معمولاً به خاطر رایگان بودن خدمات در طول این سه روز هزینه ای نخواهید داشت اما مقدار کمی پول هم ضرر نخواهد داشت بهتر است از پول ملی خود عراق استفاده کنید (دینار عراق)

- محل خواب چگونه است؟ و چه نکاتی را باید برای محل خواب در نظر گرفت؟

برای محل خواب طول روز با توجه به وجود خورشید و گرمای نسبی هوا خیلی نکته ی خاصی وجود ندارد. اما برای خواب پیشنهاد می شود که اولاً قبل از ساعت ۸ محلی را برای خواب از بین موکب های طول مسیر انتخاب کنید تا نایباً با توجه به سرمای شب سعی کنید به جای چادر در موکب هایی که ساختمان دارند و گرمتر هستند اطراق کنید. احتمال اینکه بعد از ساعت ۱۱ شب جای گرم و مناسب گیر بیابارید کمی سخت خواهد شد. ذکر چند نکته در اینجا اهمیت دارد اولاً جای خواب مناسب برای خواهران و برادران در طول مسیر وجود دارد تا نایباً کسی بدون جای خواب نخواهد ماند! چون جا و ملزومات خواب مثل پتو و بالش به اندازه کافی هست فقط باید بتوانید موکبی که هنوز کامل پر نشده را پیدا کنید اگر از خود اهالی بخواهید برایتان معرفی می کنند که کجا هنوز برای خواب جا دارد.

- در طول شب شرایط پیاده روی چگونه است؟

معمولاً بعد از ساعت ۹ شب مسیر پیاده روی خلوت تر می شود و اکثر موکب داران تا اذان صبح استراحت می کنند اما در این میان کم نیستند موکب دارانی که شب را هم متناسب با سرمای شب خدماتی ارائه می کنند که زائرین شب رو را کمک کند. به عنوان مثال چایی و شیر داغ و حتی هدیه بدهند! برای جلوگیری از سرمای شب در طول شب توزیع می شود و وعده ای هستند که ترجیح می دهند تا اذان صبح پیاده روی کرده و بعد از طلوع آفتاب بخوابند.

- چه کنیم بیشتر بهره ببریم؟

همانطور که عراقی ها خود را برای پذیرایی از شما از مدت ها قبل آماده می کنند شما هم برای تاثیر گذاری بیشتر روی آنها و بالا بردن سطح علاقه و همچنین فکر آنها کار کنید. به عنوان مثال تجربه ی مادر سنوات گذشته نشان داد بچه هایی که در طول مسیر ایستاده اند و به زائرین نگاه می کنند و گاهی حتی با اصرار به شما خوراکی تعارف می کنند با یک اسباب بازی کوچک یا حتی یک بسته پاستیل چقدر به سر شوق آمده و مطمئناً دراز مدت تا تاثیر این حرکت در ذهنشان و تصورشان راجع به شیعیان و حتی ایرانیان چقدر مثبت خواهد بود. حتی آماده کردن بسته های فرهنگی به زبان های عربی یا انگلیسی و توزیع آن بین مردمی که پیاده می روند تاثیر گذار است. گاهی یک پوستری یا یک عکس کوچک مذهبی با یک جمله ی عمیق تاثیر شگرفی بر ذهن مخاطب خواهد گذاشت. روی تاثیر گذاری متقابل چه برای موکب داران چه برای سایر زائران از سراسر جهان برنامه ریزی کنید. زارت امام حسین با خستگی پیاده روی گویی مزه ای دوچندان دارد و اینجاست که پا و دل با هم ارتباط پیدا می کنند! در طول مسیر هنگامی که پاهایمان خسته یا حتی در مواردی جراحی کوچکی پیدا می کند کافی است برای آماده شدن دل. کمی اگر مرغ دل را پرواز دهی به وضوح کاروانی را خواهی دید که از کربلا به سوی شام به اسپری می روند و وقتی نگاهت را به طرفین بر میگردانی و میبینی اینچنین با عزت در حال راه رفتنی و اینچنین از تو پذیرایی می شود مطمئناً با خود می گویی این کجا و آن کجا؟! اینجاست که آدمی می گوید: لایوم کیومک یا ابا عبدالله...



♦ زان پیش تر که عالم فانی شود خراب ...

چرا پیاده؟ بهتر نیست ماشین بگیریم و مثل هر زیارت دیگر با اتوبوس برویم. اصلاً چرا دولت عراق به فکر نیست منوریل راه بیندازد در مسیر کربلا و نجف؟ امنیتش هم بیشتر است. مگر این زیارت اربعین بناست چه ویژگی های داشته باشد؟ چه امتیازهایی که زیارت های دیگر ندارد؟

خدمت غریب

وجه اشتراک همه موبک های بین راه یک چیز است: خدمت به زائر امام حسین. این همه آدم از جای جای عراق و حتی کشورهای دیگر می آیند که به زائر امام خدمت کنند. برای ما که در هیأت ها بزرگ شده ایم، این کار غریب نیست. غریب جنس این خدمت هاست و از آن غریب تر نوع تعاملی که این خلق خدا با زائر دارند. می شود این جنس خدمت را تجربه کرد؟ چند ساعت ایستاد در یک موبک و دستی رساند؟

آشنایی زدایی

از من بپرسید می گویم خوب است همه برویم کربلا؛ اما چه خوب است که در این پیاده روی همه همدیگر را گم کنیم. اصلاً قرار بر این باشد هر کس ریفیقش را دید نشناسد. این آشنایی زدایی برای این سفر لازم است. بگذارید این پوسته ای که دور خودمان داریم: من، ما، مسجد ما، هیأت ما، مجموعه ما، کانون ما، شهر ما - اگر بگویم کشور ما ناراحت نمی شوید؟ - چند روزی نباشد. شاید اتفاقات خوبی افتاد. شاید حس این جبهه که سال هاست از شما می زیم راحت تر پیدا شد:

نردبان این جهان ما و منی است
عاقبت این نردبان افتادنی است
لاجرم هر کس که بالاتر نشست
استخوانش سخت تر خواهد شکست

فصل آشنایی

حالا که آشنایی های قبلی رفت، می شود رفت دنبال یک آشنایی جدید. اصلاً این آدم های رنگ رنگ، علی رغم این که هر کدام زبانی دارند و فرهنگی؛ یک زبان مشترک هم دارند که برای همه اربعینی ها قابل درک است. جدای از زبان مشترک، چه قدر همه آشنایند. این پیر مردان و پیر زنان عرب چه قدر شبیه همین هم محله های ما هستند!

تادیر نشده...

شاید سزای اینکه این تجمع چهل روز بعد عاشورا انجام می شود این است که جنس عزاداری عاشورا با جنس اربعین فرق می کند. حرارت زیارت روز عاشورا با حرارت زیارت اربعین فرق می کند. من می ترسم باز دیر بشود. دیر بشود یعنی اینکه کاری نکنند/ بکنیم که رنگ اربعین هم عوض بشود. از همان جنس خرابکاری هایی که کرده اند و کرده ایم. برای همین فکر می کنم باید اتفاقی بیفتد. یک کسی باید یا علی بگوید و همه را یک بار اربعین ببرد پیاده روی کربلا. همه اهل فرهنگ و کار فرهنگی، اهل سیاست و کار سیاسی. آنجا ممکن است اتفاقات خوبی بیفتد. امتحانش گران نیست.

♦ فصل کربلا

کربلا را تو مینداز که شهری اسست در میان شهرها و
نامی اسست در میان نامها، نه؛ کربلا حرم حق است
و هیچ کس را جز یاران امام حسین علیه السلام راهی
به سوی حقیقت نیست. کربلا، آغوشت را بگشاه
حزب الله به سوی تو می آید...



حرف دل

چقدر فکر مشغول می‌شود و وقتی می‌بینم؛ اعراب بادیه گاهی پانزده روز را پیاده آمده‌اند و از خاک صحرا خورده‌اند و خون دل می‌بینی می‌آیند با کاغذی در دست که زیارت معروف اربعین **ایعبدالله الحسین (ع)** را در آن با هزار غلط املائی و نگارشی نوشته‌اند، شروع می‌کنند با صدای بلند و انگار اعتراض و البته عجز و شوق و مهر و دل؛ شروع می‌کنند تند و تند خواندن و تمام که می‌شود می‌روند با موج همیشه جاری تاضیح، به ضریح که می‌رسند می‌بوسند و نمی‌مانند و می‌آیند و می‌روند بین الحرمین و از دور سلامی به **عباس (ع)** و فامی کنند و بعد وارد می‌شوند و زیارتی مختصر و راهی می‌شوند به دیارشان!

همه چیز در ساعتی - کم تر - رخ می‌دهد و راهی می‌شوند! پانزده روز خاک صحرا و خون دل، ساعتی عرض ارادت و شوق و نیاز و دوباره پانزده روز خاک صحرا و خون دل

و نبروی به قدرت یک سال و آتشی که هر گز خاموش نمی‌شود.

و تو که عادت داری به بغل گرفتن ضریح امام رضایت و در دودل کردن از کوچک و بزرگ زندگی ات با او ساعت‌ها، حیران می‌مانی! آخر این چه آتشی ست که لهیبش دامن این امت را گرفته است. چه دردی ست که درمان ندارد. چه سودایی ست که پایان ندارد.

این حسین کیست که عالم همه دیوانه‌ی اوست

می‌مانی از این نمایش عظیم بشری! می‌مانی از این بزرگ‌ترین اجتماع انسانی روی کره‌ی زمین! می‌مانی از آتشی که بعد از هزار و چهار صد سال هر روز گداخته تر است! می‌مانی از آن چه دارد در عالم رخ می‌دهد!

شرمنده می‌شوی از تجربیات اندک! شرمنده می‌شوی از دنیای کوچکت! شرمنده می‌شوی از نداریت؛ که دارایی‌ش پنداشت‌های! شرمنده می‌شوی از این که هستی! هنوز هستی ...

به نام نامی سر

به نام نامی سر، بسمه تعالی سر

بلندمرتبه پیکر، بلندبالا سر

فقط به تربت اعلا، سجده خواهیم کرد

که بنده‌ی تو نخواهد گذاشت، هر جاسر

قسم به معنی لایمکن الفرار از عشق

که پر شده است جهان، از حسین سر تاسر

نگاه کن به زمین! ما رأیت إلا تن

به آسمان بنگر! ما رأیت إلا سر

زهیر گفت: حسینا! خواه از ما جان

حیب گفت: حبیبا! بگیر از ما سر

خوشا به حال غلامش، به آرزوش رسید

گذاشت آخر سر، روی پای مولاسر

چنان که یک تن دیگر به آرزوش رسید

به روی چادر زهرا گذاشت سقا، سر

تنش به معر که سر گرم فضل و بخشش بود

به هر که هر چه دلش خواست داد، حتی سر

بسوزد آن همه مسجد، بمیرد آن اسلام

که آفتاب در آورد از کلیسای سر

عقیله، غصه و درد و گلایه را به که گفت؟

به چوب، چوبه محمل، نه بازبان، با سر

دلم هوای حرم کرده است می‌دانی

دلم هوای دو رکعت نماز بالا سر

سید حمیدرضا برقی

اربعین؛ امتداد حرکت عاشورا

«فقط یک جمله در باب اربعین عرض کنم؛ آمدن اهل بیت حسین بن علی (ع) به سرزمین کربلا، که اصل این آمدن مورد قبول هست، اما سال اول یادوم بودن آن معلوم نیست، فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبان هاجاری می‌شود. مسأله از این بسیار بالاتر بود. نمی‌شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد (ع) یا مثل زینب کبری (س) را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت‌هایی به این عظمت در جست‌وجوی رازهای بزرگ‌تر بود. مسأله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا (ع)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود. باین کار خواستند به پیروان حسین بن علی (ع) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند این حادثه تمام نشد؛ مسأله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسأله ادامه دارد. به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماس است؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی‌رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می‌ماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد (ع) و زینب کبری (س) به کربلا در اربعین به این مقصود بود.»

(خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴، به نقل از کتاب «آفتاب در مضاف»، انتشارات موسسه انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ص ۲۳۶)

فضیلت زیارت امام حسین (ع)

بدانکه فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از حیظه بیان بیرون است و در اخبار بسیار وارد شده که معادل حج و عمره و جهاد بلکه بالاتر و افضل است بدرجات و باعث مغفرت و خفت حساب و رفع درجات و اجابت دعوات و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیادتی روزی و برآمدن حاجات و رفع هموم و کربات است و ترک آن سبب نقصان دین و ایمان و ترک حق بزرگی از حقوق پیغمبر صلی الله علیه و آله است و کمتر ثوابی که به زائر آن قبر شریف رسد آن است که گناهانش آمرزیده شود و آنکه حق تعالی جان و مالش را حفظ کند تا او را به اهل خود برگرداند و چون روز قیامت شود حق تعالی او را حافظتر خواهد بود از دنیا.

و در روایات بسیار است که زیارت آن حضرت غم را زایل می کند و شدت جان کندن و هول قبر را بر طرف می کند و آنکه هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود حساب می شود برای او هر دره می به هزار در هم بلکه به ده هزار در هم و چون روزه قبر آن حضرت برود چهار هزار ملک استقبالی او می کنند و چون بر می گردد مشایعت او می نمایند و آنکه پیغمبران و اوصیاء ایشان و ائمه معصومین و ملائکه سلام الله علیهم اجمعین به زیارت آن حضرت می آیند و دعا برای زوار آن حضرت می کنند و ایشان را بشارت می دهند و حق تعالی نظر رحمت می فرماید بسوی زائرین امام حسین علیه السلام پیش از اهل عرفات و آنکه هر کسی در روز قیامت آرزو می کند که کاش زوار آن حضرت بود از پس که مشاهده می کند از کرامت و بزرگواری ایشان در آن روز و روایات در این باب بی حد است.

هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله...

حرم امام حسین (علیه السلام):

حرم امام حسین (علیه السلام)، که به همراه حرم ابوالفضل العباس (علیه السلام) و فضاهای پیرامون این دو جایگاه، هسته مرکزی شهر را تشکیل می دهند. حرم مطهر بیش از دو متر از سطح شهر پایین تر است؛ از این رو تعداد زیادی پله زائران را از دروازه های به درون صحن هدایت می کند. ساختمان کنونی حرم از ساخته های دوره صفوی و عثمانی و قاجار است. حرم مطهر از گنبدی بزرگ و مطلقاً تشکیلی شده که بر روی گنبد خانه ای وسیع و چندین رواق و یک مسجد بزرگ و صحنی فراخ است که تمامی این مجموعه را در بر می گیرد. گنبد طلاز ساخته های دوران صفویه است و طلاکاری آن به دستور آغامحمدخان قاجار انجام گرفته است. در زیر گنبد، ضریح نقره ای و بزرگ و چند ضلعی قرار دارد که قسمت عمده فضای گنبدخانه را اشغال کرده و درون آن قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) و دو فرزندش علی اصغر و علی اکبر جای دارد. در سمت شرق ضریح مطهر حضرت، فضایی است که در جنوب آن پنجره ای نقره ای قرار دارد. اینجا آرامگاه قسمت اعظم شهیدان واقعه کربلاست که همگی آنان پیرامون آن پنجره و فضاهای اطراف پراکنده و مدفون هستند.

قتلگاه:

جایگاهی است در نزدیکی آرامگاه حبیب بن مظاهر اسدی که بنا بر گفته روایات، امام حسین (علیه السلام) در آنجا به شهادت رسید و بعدها به جایگاه کنونی منتقل شد و دفن گردیده اند.

تل زینبیه:

در فاصله ۲۰ متری از سمت غرب صحن مطهر، تپه ای به ارتفاع ۵ متر وجود دارد که امروزه بر روی آن اتاقی ساخته شده است، این تپه به نام «تل زینبیه» یا تپه حضرت زینب (علیها السلام) مشهور است و بنا به نقل مورخان، تپه ای بوده است که در روز عاشورا حضرت زینب بر روی آن می رفته و از سیر و قایع جنگ آگاهی می یافته اند.

حرم ابوالفضل العباس (علیه السلام):

این حرم در فاصله ۳۵۰ متری شمال شرقی حرم امام حسین (علیه السلام) قرار گرفته و دارای قبه و بارگاه شکوهمندی است که جسد پاک این سردار رشید و یار وفادار امام حسین (علیه السلام) را در بر گرفته است. ساختمان دارای گنبدی طلازی است که بر روی گنبد خانه ای کوچکتر از حرم امام حسین (علیه السلام) قرار دارد. گرداگرد قبر مطهر را چهار رواق و صحن فراخ و وسیعی به همراه ایوان زیبار بر گرفته است. ضریح زیبای آن حضرت به دستور مرحوم آیه الله العظمی حکیم در سال ۱۹۶۵ میلادی در اصفهان ساخته شد.

خیمه گاه:

در جنوب صحن مطهر امام حسین (علیه السلام) و در فاصله ۲۵۰ متری واقع است. (بنا به نقل مورخان، محل برافراشته شدن خیمه ها و چادرهای سیدالشهدا (علیه السلام) و یاران او بوده است). امروزه جایگاه خیمه ها را با ساختمان سازی به تصویر کشیده اند.



آداب زیارت

برای تشریف به حرم مطهر معصومین (علیهم السلام) و در حال زیارت قبور مطهر آنان، این کارها مستحب است:

۱. غسل زیارت، که به همین نیت انجام شود و کیفیت آن با سایر غسل هافر قی ندارد.

۲. باطهارت و وضو بودن.

۳. پوشیدن لباس های پاک و تمیز و بهتر است سفید باشد.

۴. عطر زدن و خوشبو کردن خود، بجز برای زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) که این عمل مستحب نیست.

۵. با آرامش و وقار حرکت کردن و گام هارا کوتاه برداشتن.

۶. مشغول بودن به ذکر، به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله» در حال رفتن به زیارت.

۷. خواندن اذن دخول و اجازه گرفتن برای ورود به حرم.

۸. بوسیدن آستانه و درگاه حرم، ولی سجده کردن جایز نیست مگر آنکه سجده شکر به جهت توفیق این زیارت باشد. از آنجا که امروزه برخی از دشمنان مکتب اهل بیت از این مسأله سوء استفاده کرده و علیه شیعیان تبلیغ می کنند، بهتر است زائران گرامی سجده شکر رانیز روبروی قبر و ضریح انجام ندهند.

۹. وارد شدن به حرم با پای راست.

۱۰. نزدیک قبر رفتن، به طوری که بتواند در کنار ضریح قرار گیرد و خود را به آن بچسباند، در صورتی که مزاحمتی برای زائران نداشته باشد و سبب اختلاط با نامحرم نباشد. یادآوری می شود، هر چند نزدیک ضریح رفتن اگر مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد مطلوب است ولی زیارت حضرت صر فآبه دست مالیدن و بوسیدن ضریح نیست. بلکه اگر در حرم در گوشه خلوتی نیز زیارت نامه بخوانند به حضرت سلام بدهند از ثواب زیارت بهره مند خواهند بود و این فکر که اگر دست به ضریح نرسانند یا نبوسیدند زیارتشان کامل نیست تصور بی جایی است.

۱۱. ایستادن در حال زیارت، اگر عذری ندارد و بتواند بایستد.

۱۲. تکبیر گفتن پیش از زیارت، وقتی قبر مطهر رامی بیند.

۱۳. خواندن زیارت هایی که از معصومین (علیهم السلام) رسیده است مانند زیارت جامعه و امین الله.

۱۴. آهسته زیارت خواندن و پرهیز از صدای بلند.

۱۵. خواندن دور کعت نماز زیارت، پس از زیارت و هدیه آن به صاحب مزار.

۱۶. در زیارت معصومین (علیهم السلام) مستحب است پشت به قبله و رو به قبر زیارت بخواند.

۱۷. خواندن دعا و قرآن و هدیه ثواب آن به صاحب مزار.

۱۸. توبه از گناهان؛ زیرا آن اماکن مقدس محل پذیرش توبه است.

۱۹. پرهیز از سخنان ناشایست و لغو و بیهوده و امور دنیایی در آن اماکن مقدس.

۲۰. بیرون رفتن از حرم (به ویژه اطراف ضریح) پس از زیارت تا جابرای دیگران

باشد و از زیارت ملول نشود و شوق زیارت همچنان در دلش زنده بماند.

آداب خاص در زیارت امام حسین (ع)

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام آداب خاصی دارد؛ از جمله:

۱- روزه گرفتن در سه روز قبل از سفر

۲- اجتناب از خوردن غذاهای لذیذ و رنگارنگ و اکتفا به طعام ساده

۳- زیارت با حالت حزن و اندوه و غصه

۴- پرهیز از استعمال عطر و گلاب

۵- زیارت با سر و صورت و لباس آشفته مانند افراد ماتم زده و مصیبت زده.

۶- غسل قبل از زیارت با آب فرات

۷- رفتن به زیارت با پای پیاده.

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای هر قدم زائر، هزار حسنه و محو هزار گناه و هزار درجه تعالی است.» و فرمود: «باحال ذلت مانند بردگان به زیارت امام حسین بروید.»

لازم به توضیح است که جمع بین اخبار غسل از آب فرات و اخبار زیارت به حالت ژولیدگی به این است که وقتی کسی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می رود بهتر است برای بار اول با همان گرد راه و ژولیدگی و غمزدگی وارد حرم مطهر شود و امام را زیارت کند؛ و سپس برای دفعات بعدی از آب فرات غسل نماید و عطر بزند و لباس پاکیزه بپوشد و به زیارت رود.





جامانندگان

خیلی ساده به نظر می‌رسد اینکه روزی امام (ع) از آدم کمک بخواهد، شخصاً، نامه بفرستد، واسطه بفرستد یا اصلاً خودش بیاید در خانه آدم. همه ما آرزو می‌کنیم آنجا بودیم. احیاناً دو سه تا نفرین هم نثار کسانی می‌کنیم که امام (ع) را تنها گذاشتند. می‌پرسیم چطور توانستند؟! عجب آدم‌های پلید، خیانتکار و بی‌دین و ایمانی بوده‌اند. اما وقتی داس تان چندتا از همین از خدا بی‌خبرها را می‌خوانی، می‌بینی انکار که بعضی حرف‌ها آشناست. انکار که خودمان هم ...

معدوریت شرعی

در منزل (قصر بن مقاتل) امام (ع) به عمرو بن قیس و پسرعمویش رسیدند. پرسیدند: آیا برای یاری ما آماده‌اید؟ عمرو بن قیس گفت: ما پیرمرد و عیالواریم. اموال مردم دست ماست، باید آنها را برسانم به صاحبانش. اگر با شما بیایم مال مردم از بین می‌رود.

چرا خشونت

در یکی از منزلگاه‌ها عبدالله بن مطیع عدوی پیش امام (ع) آمد. گفت: با این حرکت تو حرمت اسلام از بین می‌رود. حرمت قریش و حرمت عرب از بین می‌رود. خشونت راه می‌افتد. نرو!

عهد و عیال دارم

مالک ابن ارحبی روز نهم همراه کاروانی از نزدیک کربلا می‌گذشت. رفت پیش امام (ع) تا خبر دهد، اکثریت مردم کوفه علیه اویند. حسین (ع) گفت: چرا مرا یاری نمی‌کنید؟ مالک بن نصر گفت: من مقروض و عیالمندم، و خداحافظی کرد.

شر مرسان

یزید بن مسعود نهشلی از بزرگان بصره بود که امام (ع) برایش نامه نوشتند. آن قدر از عبدالله می‌ترسید که وقتی فرستاده امام (ع) نامه را برای او آورد، فکر کرد، شاید این حيله عبدالله است تا طرفداران امام (ع) را شناسایی کند. از ترس نامه را نگرفت. نامه رسان را هم با نامه فرستاد پیش عبدالله. عبدالله هم نامه رسان را به دار آویخت.

پولش را می‌دهم

امام (ع) خودشان رفتند سراغ عبدالله بن حر جعفی. پرسیدند: همراه ما می‌آیی؟ عبدالله گفت: من آماده مرگ نیستم، ولی اسبم را تقدیم می‌کنم. چنان اسبی است که اگر سوارش شوید به خواسته‌تان می‌رسید. امام (ع) فرمود: ما برای اسب و شمشیر تو نیامده بودیم. فقط از اینجا دور شو که فریاد غربت ما را نشنوی.

پناهت می‌دهم، تفرقه نینداز

فرماندار مکه، عمرو بن سعید اشدق، برای امام (ع) نامه نوشت که من به تو پناه می‌دهم، حرکت نکن. همین جا بمان. موجب تفرقه می‌شوی.

این کارها دنیویست، من به فکر آخرتم

عبدالله بن عمر وقتی از حرکت امام (ع) باخبر شد، خود را به امام (ع) رساند و گفت: این دولت و حکومت مال اینهاست. خدا به پیامبر (ع) اختیار داد تا بین دنیا و آخرت یکی را انتخاب کند و او آخرت را انتخاب کرد. شما هم پاره‌ی تن اویند. به همین خاطر، دنیا به احدی از شما بر نمی‌گردد.

فایده‌ای ندارد اسبم را برمی‌دارم و می‌روم

«هنگامی که دیدم یاران حسین (ع) کشته شدند و نوبت او و خاندانش رسیده و غیر از سویربن عمرو و بشیربن عمرو کسی باقی نمانده گفتم: ای پسر رسول خدا (ع) من گفته بودم که تا وقتی جنگجویی داشته باشی، همراه تو می‌جنگم. حسین (ع) گفت: راست گفتم ولی چگونه خود را نجات خواهی داد؟ قبلاً وقتی دیده بودم، دشمن اسب‌ها را می‌کشد، اسب خود را در یکی از چادرها پنهان کرده بودم. اسب را بیرون آورده و سوار شدم و از میان دشمن دور شدم.»

ضحاک مشرقی، روز نهم به امام (ع) پیوست، ولی با امام (ع) شرط کرد: فقط تا وقتی می‌مانم که مفید باشم، اگر تنها شدمی می‌روم چون فایده‌ای ندارد.

رفتم ز پا خاری کشم

طرماع، یکی از کسانی که بین راه به امام (ع) برخورد و چون به راه آشنا بود، جلوی کاروان به سمت کربلا به راه افتاد. در نیمه‌ی راه به امام (ع) گفت: من باید به خانواده و قبیله‌ام سر بزنم. رفت و بعد از چند روز برگشت. اما خبر کشته شدن امام (ع) و همه‌ی یارانش را به او دادند. آدم یاد این دو بیت می‌افتد:

محمل ز چشمم شد نهران
صد ساله راهم دور شد

رفتم ز پا خاری کشم
یک لحظه من غافل شدم

♦ بدعت‌های عجیب و غریبی که وهن تشیع‌اند... ♦

سال گذشته تصاویری از مراسم میلیونی اربعین حسینی در کربلائی معلی منتشر گردید که نشانگر گسترش یافتن بدعت سینه خیز رفتن تا مرقد مطهر امام حسین (ع) بود. از همین رو به بازخوانی نظر معظم رهبری که در سال ۷۳ و در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویر احمد مطرح شد می‌پردازیم. ایشان در این سخنرانی که بررسی قیام حضرت سیدالشهدا (ع) و آثار آن برای امروز است بر عزاداری سنتی تأکید کرده و می‌فرمایند:

من واقعا می‌ترسم از این که خدای ناکرده، در این دوران که دوران ظهور اسلام، بروز اسلام، تجلی اسلام و تجلی فکر اهل بیت علیهم‌الصلوة والسلام است، نتوانیم وظیفه‌مان را انجام دهیم. برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به خدا و دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها، همین عزاداری‌های سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود این که امام فرمودند «عزاداری سنتی بکنید» به خاطر همین تقریب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواکب عزاداری به راه انداختن، از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پر جوش می‌کند و بسیار خوب است. در مقابل، برخی کارها هم هست که پرداختن به آنها، کسانی را از دین برمی‌گرداند.

معظم له در ادامه سخنان خود به آسیب‌شناسی عزاداری‌ها پرداخته و روحانیون را برای مبارزه با برخی بدعت‌ها که در مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) ایجاد شده و موجب وهن شیعه گردیده نظیر بدعت «قمه زنی» و «سینه خیز رفتن به سمت مرقد ائمه» فرا می‌خوانند و در ادامه می‌گویند:

«اخیرا یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوس دیگر هم در باب زیارت در سنت کرده‌اند! بدین ترتیب که وقتی می‌خواهند قبور مطهر ائمه (ع) را زیارت کنند، از در صحن که وارد می‌شوند، روی زمین می‌خوابند و سینه خیز خود را به حرم می‌رسانند! شما می‌دانید که قبر مطهر پیغمبر (ص) و قبور مطهر امام حسین، امام صادق، موسی بن جعفر، امام رضا و بقیه ائمه علیهم‌السلام را همه مردم، ایضا علما و فقهای بزرگ، در مدینه و عراق و ایران، زیارت می‌کردند. آیا هرگز شنیده‌اید که یک نفر از ائمه علیهم‌السلام یا علما، وقتی می‌خواستند زیارت کنند، خود را از در صحن، به‌طور سینه خیز به حرم برسانند؟!»



اگر این کار، مستحسن و مستحب بود و مقبول و خوب می‌نمود، بزرگان ما به انجامش مبادرت می‌کردند، اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی رضوان الله تعالی علیه، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه بوسی را با این که شاید مستحب باشد، منع می‌کرد. احتمالاً استحباب بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست، به ذهنم این است که برای عتبه بوسی، روایت هم وجود دارد. باین که این کار مستحب است، ایشان می‌گفتند «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می‌کنیم؛ و علیه شیعه، تشنیعی درست نکنند»

اما امروز، وقتی عده‌ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌شوند، خود را به زمین می‌اندازند و دوپست متر راه را به‌طور سینه خیز می‌پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کار درستی است؟ نه! این کار، غلط است. اصلاً هانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت‌هایی را بین مردم رواج می‌دهد؟ نکنند این هم کار دشمن باشد؟! اینها را به مردم بگوید و ذهنها را روشن کنید.

دین، منطقی است. اسلام، منطقی است و منطقی‌ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد؛ تفسیری قوی متکلمین شیعه، هر یک در زمان خود، مثل خورشید تابناکی می‌درخشیدند و کسی نمی‌توانست به آنها بگوید «شما منطقتان ضعیف است.» این متکلمین، چه از زمان ائمه علیهم‌السلام مثل «مؤمن طاقی» و «هشام بن حکم» چه بعد از ائمه، مثل «بنی نوبخت» و «شیخ مفید» - چه در زمانهای بعد مثل مرحوم «علامه حلی» - فراوان بوده‌اند. ما اهل منطق و استدلالیم. شما ببینید درباره مباحث مربوط به شیعه، چه کتب استدلالی قوی‌ای نوشته شده است! کتاب‌های مرحوم «شرف الدین» و نیز «الغدیر» مرحوم «علامه امینی» در زمان ما، سر تا پا استدلال، بتون آرمه و مستحکم است. تشیع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد، بلکه «اشبه الشی بالخیر» است؟! چرا اینها را وارد می‌کنند؟! این خطر بزرگی است که در عالم دین و معارف دینی، مرزداران عقیده باید متوجهش باشند.»

♦ عزاداری برای امام حسین (ع) ♦

تاچه اندازه مجاز است؟؟؟

با توجه به حکمت عزاداری بر اهل بیت - به خصوص امام حسین (ع) حد عزاداری را شرع و عقلا تعیین می‌کنند. اگر عزاداری در شیوه‌هایی اجرا شود که شور را بر شعور غالب سازد و به نوعی موجب انحراف از فلسفه عزاداری گردد؛ خارج از حدود عزاداری مشروع، معقول، موجه و مقبول است. اگر قالب‌های عزاداری به گونه‌ای باشد که عقلائی جامعه، آن را تقبیح کرده، آن را موجب وهن مذهب و آموزه‌های عاشورا می‌دانند، قطعاً حد غیر مجاز عزاداری خواهد بود. شکل و صورت عزاداری باید به گونه‌ای باشد که بتواند هسته و محتوای اصلی پیام عاشورا را به مردم ابلاغ کند و باور انسان‌ها را نسبت به آن تقویت نماید، ولی اگر این ظاهر به صورتی درآید که نه تنها باطن و مغز را نشان ندهد، بلکه باعث گردد اصل مساله و موضوع خدشه‌دار شود، شکل و صورت مناسبی نخواهد بود و این لباس بر قاضی این تن رعنا، راست نخواهد آمد.

به عنوان مثال قمه زنی - که یک گونه خاص عزاداری است نه تنها شعارها و گفتارهای اصلی عاشورا را به درستی ابلاغ نمی‌کند؛ بلکه چنانچه مقام معظم رهبری فرمودند، موجب وهن قضیه کربلامی گردد و لذا غیر مجاز است.





پرچمدار بصیرت و ولایت‌مداری

شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه، دوست و دشمن، حق و باطل، «بصیرت» نام دارد که از صفات شایسته و ستوده‌ای است که یک مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی خود باید از آن برخوردار باشد. در مبارزات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و موضع‌گیری‌ها، جایگاه بصیرت روشن‌تر می‌شود و بدون آن، حتی مبارزه و جنگ هم کور کورانه و گاهی در مسیر باطل قرار می‌گیرد. انتخاب درست نیز بستگی به بینش صحیح و بصیرت انسان دارد.

قرآن کریم به این موضوع به عنوان ویژگی یک رهبر و داعی به خیر و هدایت اشاره می‌کند، آن جاکه می‌فرماید: «قل هذه سبیلی ادعوا الی... علی بصیرة انا و من اتبعنی» (یوسف / ۱۰۸) بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

یکی از شخصیت‌های نورانی جهان بشریت که چنین ویژگی ارزشمندی داشت، حضرت عباس بن علی (ع) بود. زندگانی حضرت ابوالفضل (ع) دایرة المعارفی است که چگونه زیستن و آگاهانه رفتن را به ما می‌آموزد و فرصت دستیابی به مقام آدمیت را هموار می‌سازد. امام صادق (ع) درباره ایشان می‌فرماید: «کان عمنا العباس بن علی نافذ البصیرة صلب الایمان جاهد مع ابی عبد... و ابلی بلاء حسنا و...» (اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۲۰) عموی ما عباس بن علی (ع) دارای بصیرت دینی و استواری در باور بود. در راه خداوند در رکاب ابی‌عبد... جهاد کرد و نیکو آزمایش داد و به شهادت رسید. در زیارت مخصوص حضرت عباس (ع) هم به همین نکته اشاره می‌شود که: «اشهد انک مضیت علی بصیرة من امرک مقتدا بالصلحین و متبعاً للنبیین (مفاتیح الجنان)» شهادت می‌دهم عمر با برکت خود را در بصیرت گذراندی، به صالحان اقتدا و از جمیع انبیا پیروی کردی.

نمونه‌هایی از بصیرت حضرت عباس (ع)

در روزهای کودکی عباس، پدر گران قدرش چون آینه معرفت، ایمان، دانایی و کمال در مقابل او قرار داشت و گفتار الهی و رفتار آسمانی اش بر وی اثر می‌گذاشت. او از دانش و بینش امام علی (ع) بهره می‌برد. حضرت درباره تکامل و پویایی فرزندش فرمود: «همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر، که از مادرش آب و غذایی گیرد، از من معارف را فرا گرفت».

نقل شده است در آغازین روزهایی که الفاظ بر زبان وی جاری شد، امام (ع) به فرزندش فرمود: بگو یک، عباس گفت: یک، حضرت ادامه داد: بگو دو، عباس (ع) خودداری کرد و گفت: شرم می‌کنم با زبانی که خدا را به یگانگی خوانده‌ام، دو بگویم (مستدرک وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱۵)

اوج بصیرت ابوالفضل العباس در حماسه عاشورا بود و باید دانست تمامی حماسه آفرینان عاشورا، بی‌هدف و کور کورانه به کر بلا نیامده بودند. آنان اهل بصیرت بودند، هم نسبت به درستی و حقانیت راه و رهبرشان و هم به این که وظیفه‌شان جهاد و یاری امام بود. این امر در کلام و شعار و رجز امام و یاران شهیدش مشهود است. حتی آگاهی امام حسین (ع) از فرجام شهادت در این سفر و آگاهانیدن یاران و همراهان نسبت به پایان این قیام، نوعی داشتن بصیرت و دادن بصیرت است، تا انتخاب افراد، آگاهانه باشد.

ایشان آن چنان در حضور امام حسین علیه السلام مودب بود که وقتی شمار اسم ایشان را برای گرفتن امان نامه فریاد می‌زد، به او فرمود: جوابش را بده، هر چند فاسق است! ابوالفضل العباس می‌آید، می‌بیند شمر بن ذی الجوشن است، روی یک رابطه خویشاوندی دور که از طرف مادر با عباس دارد و هر دو از یک قبیله‌اند، خواست به خیال خود، خدمتی کرده باشد؛ تا حرف خودش را گفت، عباس پر خاش مر دانه‌ای به او کرد و فرمود: «خداتورا او آن کسی که این نامه را به دست تو داده است، لعنت کند. تو مرا چه شناخته‌ای و درباره من چه فکر کرده‌ای؟ تو خیال کرده‌ای من آدمی هستم که برای حفظ جان خودم، امامم، برادرم حسین بن علی علیه السلام را این جا بگذارم و بیایم دنبال تو؟ آن دامنی که ما، در آن تربیت شده‌ایم و آن سینه‌ای که از آن شیر خورده‌ایم، این طور ما را تربیت نکرده است» (موسوعة کلمات الحسین (ع) ص ۲۹۸)

و در روز عاشورا وقتی به سوی دشمن هجوم می‌برد، رجز می‌خواند: «من از مرگ، آن هنگام که بانگ بر می‌آورد بیمی ندارم، تا این که پیکرم در میان دلیر مردان به خاک افتد. جانم فدای جان پاک پیامبر (ص) باد! منم عباس که کارم آب آوری است و از دشمنان در روز روپاری نمی‌هراسم» (ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۴۱)

از آن جایی که حضرت عباس (ع) سمت علم‌داری لشکر امام حسین (ع) را بر عهده داشت، تا آخرین لحظه در کنار امام (ع) بود و تا آخرین لحظه عمرش با تمام توان از او دفاع کرد. در این باره می‌نویسند: وقتی علمی را که ابوالفضل (ع) در کر بلا در دست داشت، به دربار یزید آوردند، یزید دید آن پرچم جای سالمی ندارد، پرسید: چه کسی آن را حمل می‌کرده است؟ جواب دادند: عباس فرزند علی (ع). یزید گفت: «هكذا یكون وفاء الاخ لایخیه؛ باید وفای برادر به برادر این گونه باشد» (سوءک نامه‌ال محمد، ص ۳۰۱)

اما اوج تجلی بصیرت و ایثار و فداکاری او زمانی ظاهر می‌شود، که آب آوری تشنه، بلب‌های خشکیده از سه روز بی‌آبی، در امواج آب قرار گیرد و در نهایت تشنگی، به یاد تشنگی برادر و مولایش، آب نمی‌آشامد و می‌گوید: «ای نفس پس از حسین (ع) خوار باشی و پس از او هرگز زنده نمانی! این حسین (ع) است که دل از زندگانی شسته است اما تو آب سرد و گوارا می‌نوشی؟ به خدا قسم که این شیوه دین من نیست» (ینابیع المودة ج ۲، ص ۳۴۱) و همین بصیرت بود که وی را شیفته خداوند و مطیع ذات حق کرده بود و به همین دلیل یکی از بهترین القابی که امام صادق (ع) به او داد، «عبد صالح» است که هم مقام بندگی و عبودیت را می‌رساند و هم او را در ردیف صالحان قرار می‌دهد. او خود را تقدیم کرد و وفاداری اش را در اشعار حماسی و رجز خوانی‌هایش بازگفت چنان که فرمود:

و... ان قطعتمو ایمنی انی احامی ابدان دینی و عن امام...

◆ پس از بازگشت باید چه کار کرد؟

حالا که در پایان این سفر هستی و این سفره یواش یواش دارد جمع می شود، بد نیست کمی بیندیشی که ره آورد این سفر برای خودت چه بوده است؟

یک بار دیگر به گنبد و بارگاه حسین - علیه السلام - نگاه کن. دلت نمی خواهد از او دل بکنی. دل هیچ کس نمی خواهد. اما اگر چشم سرت را ببندی و با چشم دلت بنگری، حسین - علیه السلام - را... نه! مهدی - عجل الله فرجه - را در میانه‌ی میدان می بینی که ندابه «هل من ناصر...» بلند کرده است.

زائراربعین!

امامت منتظر توست، بیشتر از آنکه تو منتظر او باشی.

حال چه می خواهی بکنی؟

می روی؟ ... یا مثل حر، چند قدم مانده تا جهنم، توبه می کنی؟

می روی؟ ... یا مانند زهیر - به زحمت امام - بازمی گردی؟

می روی؟ ... یا مانند حبیب، خودت به دامان امام پناه می آوری؟

تصمیم با خود توست. اما این را بدان که قافله عشق، منتظر یک نفر باقی نمی ماند...

... و این راه همچنان ادامه دارد...

◆ فصل راهیان کربلا

راهیان کربلا را بنگر که چگونه بسه مقتضای انتظار عمل کرده اند و به جیبه‌ها شتافته‌اند. آری، این مقتضای انتظار است. اینان آنچنان مشتاقانه به جیبه‌ها می پیوندند که تو گویی هنوز کاروان سال ۶۱ هجری قمری به بیابان پردرد و بلائی کربلا نرسیده است...



قزوین و صبغه فرهنگی آن:

اگر بنای شهر قزوین را چنانچه برخی مورخان قائلند دو بیست، سیصد سال قبل از ظهور اسلام بدانیم، پیشینه فعالیت فرهنگی را حداقل می‌توانیم از دوره ورود اسلام به این شهر دنبال کنیم. هنگامی که این شهر در ابتدای ظهور اسلام از مرزها و ثغور اسلامی محسوب شده و مورد توجه خلفای مسلمین بوده است. بنای مساجد بزرگ و جامع و برپایی حوز‌های علمیه دینی و امام‌زادگان متعدد - که مورد تعظیم مردم اند - در این شهر، گویای بخشی از این فعالیت‌هاست. عالمان بزرگ و هنرمندان شهیر در زمینه‌های مختلف در این شهر سر برآورده و بزرگانی که تنها نام بر دز آن‌ها مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود از محضر این بزرگان استفاده جسته‌اند.

باروی کار آمدن سلسله صفوی، قزوین برای مدتی پایتخت می‌شود. از این رو و با عنایت به اهتمام حکومت به توسعه تشیع، این شهر به یکی از پایگاه‌های اصلی تشیع بدل می‌شود. مکاتب بزرگ فکری و تعارضات اصولیون و اخباری‌ها و بعدتر مکتب تفکیک و دیگر مکاتبی که علمای قزوینی همواره از طلایه‌داران آن بوده‌اند، نشان از پویایی فرهنگی این سامان است. در دوره قاجار، به هنگامی که فرقه‌های ضالّه بابیت و بهائیت ظهور می‌کنند، این شهر از جمله عرصه‌های مبارزه با این فرقه‌ها می‌شود و در همین مبارزات عالم و مرجع بزرگ ملا محمد تقی برغانی هدف ترور بهائی‌ها قرار می‌گیرد و با شهادت خود در محراب لقب شهید ثالث می‌گیرد. در دوره مشروطه نیز باز قزوین صحنه حضور مشروطه خواهان و مشروطه خواهان است و از جمله شهرهای مؤثر در پیروزی مشروطه.

با شروع نهضت امام خمینی (ره)، مردم شهر با پشتیبانی علمای بزرگ که خود «هیئت علمیه» تشکیل داده‌اند وارد گود مبارزه با رژیم شاه می‌شوند و شهدایی را نیز تقدیم انقلاب می‌کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی در صحنه‌های مختلف شاهد حضور حماسی مردم در حمایت از انقلاب و نظام اسلامی بوده‌ایم. شهیدان ترورهای ابتدای انقلاب مانند شهید رجایی و شهید چگینی نماینده پافشاری بزرگان این شهر بر آرمان‌های انقلاب است. در دفاع مقدس، حجت‌الاسلام ابوترابی (سیدآزادگان)، شهید بابایی، شهید لشگری، شهید حسن پور و سه‌هزار شهید این استان برگ دیگری از دفتر افتخارات این شهر را به نام خود ثبت کردند.



اکنون و در صف پیکاری که در عرصه فرهنگ در جریان است، مجموعه‌های زیادی عهده‌دار مبارزه فرهنگی هستند. بخشی از این مجموعه‌ها و ظرفیت‌ها عبارتند از:

حوزه‌های علمیه: از دیرباز حوزه‌های متعددی در این شهر وجود داشته که متأسفانه برخی به دلایل گوناگون امروز دایر نیست؛ اما حوزه علمیه امام صادق (ع)، النفاتی، مولودریخان و شیخ الاسلام و دو حوزه خواهران از دوره مقدمات تدریس خارج فقه را تدریس کرده و فعالاند. دانشگاه‌ها: وجود دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و به تبع آن حضور حداقل یک‌ساله دانشجویان غیر ایرانی برای گذراندن دوره آموزش زبان فارسی در آن، این دانشگاه را به عنوان یکی از مراکز فعال فرهنگی مطرح کرده است. بسیج دانشجویی و تشکل‌های جامعه اسلامی، انجمن اسلامی، کانون‌های فرهنگی دانشجویی و دفتر نمایندگی نهاد رهبری از جمله دیگر مراکز فعال دانشگاهی در سطح استان است.

برخی مراکز فعال دیگر فرهنگی غیر دولتی عبارتند از: اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری، موزه نگارخانه هنر پایداری (در حوزه پایداری) و بسیاری از هیئات مذهبی و کانون‌های فرهنگی هنری مساجد که به دلیل کثرت از اشاره به نام آن‌ها خودداری می‌کنیم، از جمله مجموعه‌های فعال و جریبان‌ساز در شهر هستند.

لزوم کار جمعی در عرصه فرهنگ

وقتی که دشمنی به ما حمله می‌کند، طبعاً باید از خود دفاع کنیم. «معمولاً» هم همین کار را می‌کنیم. به این دلیل می‌گوییم «معمولاً» که گاهی دیده می‌شود که با این که دشمن به ما حمله کرده، و به همه‌ی ما نیز حمله کرده، ما نه تنها از خود، بلکه از خودمان هم دفاع نمی‌کنیم. اگر دشمن یک کشور به آن کشور حمله کند، «معمولاً» نیروهای نظامی آن کشور به سرعت بسیج شده و به مقابله با دشمن می‌پردازند. به این دلیل می‌گوییم «معمولاً» که گاهی دیده می‌شود که با این که دشمن به یک کشور حمله کرده، نیروهای نظامی آن کشور نه تنها از همه‌ی کشور دفاع نمی‌کنند، بلکه از حوزه‌ی استحقاقی خود نیز دفاع نمی‌کنند.

مَثَل ما و دشمن و جنگ فرهنگی ما، همانند دو مثال بالاست. در واقع بیشتر ما همان استثناهای مثال‌های بالا هستیم. همان‌هایی که نه تنها از همه‌ی جنبه‌ی فرهنگی انقلاب دفاع نمی‌کنیم، بلکه از شهر خود نیز - که حوزه‌ی استحقاقی خودمان هم هست - دفاع نمی‌کنیم. همه‌ی آن‌هایی که جنگی را تجربه کرده‌اند، و یا حتی در فیلم‌ها دیده‌اند، به این امر واقفند که برای از بین بردن دشمن متجاوز، نیروهای جنگی باید بیشترین هماهنگی را با هم داشته باشند. حال چه اتفاقی افتاده که در این نبرد عظیم فرهنگی، هر یگانی از یگان‌های لشکر انقلاب، به یک جهت حمله می‌کند و در یک منطقه عمل می‌کند، الله اعلم... همین قدر بدان که امامت به دنبال یار است، نه بار. مبادا بعدها که حقایق روشن شود، ببینی که تو و یگانت به سوی لشکر خودی تیر می‌انداختید...

البته ناگفته نماند که در استانمان قزوین، تاکنون چندین رزمایش فرهنگی با حضور اجتماع مجموعه‌های فعال برگزار شده است و هر بار نیز شاهد این ظرفیت‌های عظیم بوده‌ایم. یقیناً دست خداوند با جماعتی با غیرت است همراه با غرور مؤمنانه و اخلاص‌های برآمده از شور و شعور انقلابی، که الحق کارستان می‌کند و روزهای پر جنب و جوش دشمنان را به شب‌های تاریکی و عزلت تبدیل می‌کند. اما هنوز تار سیدن به سر منزل مقصود، فاصله زیادی در پیش است. دیگر وقت تماشا کردن و نشستن نیست. یاران انقلابی بشتابند و ملحق شوند به این لشکر عظیم و باشکوه. هر کس که پیمان و لاء دار دبیاید...



شب وداع

شب وداع برنامه فاخری که دو سالی است به پیشنهاد مجموعه هیئات و با مشارکت ۳۴ مجموعه فرهنگی فعال استان برگزار می شود و هفت هزار نفر از مردم شهر قزوین، وداع با ماه خدار ادر فضای اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری تجربه می کنند. حجت الاسلام سید مهدی خضری، حاج حسین یکتا و حاج مهدی سلحشور به عنوان سخنران، راوی و مداح این برنامه در کنار فضای مناجات، حال و هوای جبهه ها را نیز به آسمان اردوگاه سوق دادند. نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی، ایستگاه های صلواتی و مهد کودک حسینی از حاشیه های این برنامه بود.

اردوگاه جهادی شهادی علم و فناوری

www.ordoogah.org

چرا اردوگاه ساخته شد؟

برای دوره جوانی صفت‌های زیادی ذکر می‌کنند؛ اما طراوت و نشاط اجزای جدانشدنی این دوره‌اند. اجزایی که نباید هنگام برنامه‌ریزی فرهنگی برای این نسل نادیده گرفته شوند. این نشاط اگر در مسیر خیر و جهاد به کار گرفته شود؛ می‌شود همان فرموده پیامبر که تفریح و گشت و گذار جوانان امت من در جهاد فی سبیل الله است. مبنای اردوگاه جهادی تلفیقی از یک برنامه سراسر شور و نشاط در قالب فعالیت‌های ورزشی و رزمی با کلاس‌ها و برنامه‌های فرهنگی است. اعتقاد ما این است که این تلفیق نه تنها ضروری به برنامه وارد نمی‌کند بلکه باعث هم‌افزایی نیز می‌شود.



نتیجدهای علم و فناوری

نام اردوگاه را به شهدای علم و فناوری مزین کردیم و گفتیم شاید با این نام گذاری تا حدی به دغدغه حضرت آقامینی بررفع محجوریت این عزیزان گامی برداشته باشیم. این انسان‌ها ممکن است خیلی هم در چشم نباشند، اما آدم‌هایی هستند که فهمیدند سفره جهاد در فضای علم هم مرد میدان می‌خواهد. خون می‌خواهد. بی‌ادعا آمده‌اند. بعضی در همین راه شهید علم می‌شوند. تهرانی مقدم، احمدی‌روشن، شهریاری و علی محمدی و آشتیانی از این قبیلند.



برنامه های آموزشی

سعی شده مباحثی که در این کلاس‌ها ارائه می‌شود، مسائلی با اولویت بالا و مورد نیاز روز جوانان و دانشجویان باشد. برخی مباحث طرح شده در دوره‌های مختلف اردوگاه عبارتند از:

کلاسها:

- اخلاق
- سبک زندگی آمریکایی
- زندگی جهادی
- هیئت داری
- آشنایی با سیرهای مطالعاتی
- آشنایی با کرسی‌های آزاداندیشی
- سخنوری و فن بیان
- روش مطالعه و یادگیری و...

(ب) حلقه‌ها با موضوعات:

- ازدواج
- شغل
- تحصیل



برنامه های ورزشی

بخش اعظمی از شور و نشاط اردوگاه، از برنامه‌های ورزشی و رزمی و تفریحی ایجاد می‌شود. این برنامه‌ها مشتمل بر ورزش‌های آبی و خاکی است که هر کدام با هدف خاصی در برنامه گنجانده شده و آمادگی رزمی و روحی بالایی را برای مخاطبان به ارمغان می‌آورد.

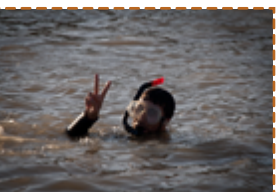
۱. برنامه ورزش های آبی:

- کانو سواری
- شنا

- پرش از قایق موتوری

۲. برنامه ورزش های خاکی:

- آشنایی با نقشه خوانی و قطب نما
- موتور چهار چرخ
- تیراندازی با کمان
- تیراندازی با تفنگ بادی
- رزم شبانه
- راپل
- سرسره
- پینت بال





دیدار ماه

دیدار ماه اردو بی است که به صورت خودجوش و با مشارکت مجموعه های فعال فرهنگی استان قزوین دوسالی است در ایام فاطمیه برگزار می شود. در این برنامه به تعداد شصت دستگاه اتوبوس و با مساعدت ۲۵ مجموعه فعال استان، ۲۴۰۰ نفر از مردم قزوین در مراسم شام غربیان حضرت زهرا (س) در حسینیه امام خمینی (ره) با حضور مقام معظم رهبری شرکت کردند. در کنار مردم قزوین مردم شهرهای بوئین زهرا، تاکستان، آبگرم، محمدیه، البرز، اسفرورین، آوج، خرمدشت، فارسجین، نیکویه و... نیز حضور داشتند. از اقدامات جانبی این برنامه می توان به طراحی و چاپ ۵۰۰۰ پوستر با نام مجموعه های فرهنگی مشارکت کننده، تدارک ۲۰۰۰ غذای بین راهی برای زائرین و توزیع سرربنده عنوان نماد مشترک تحت عنوان "فدائیان رهبریم" اشاره کرد.

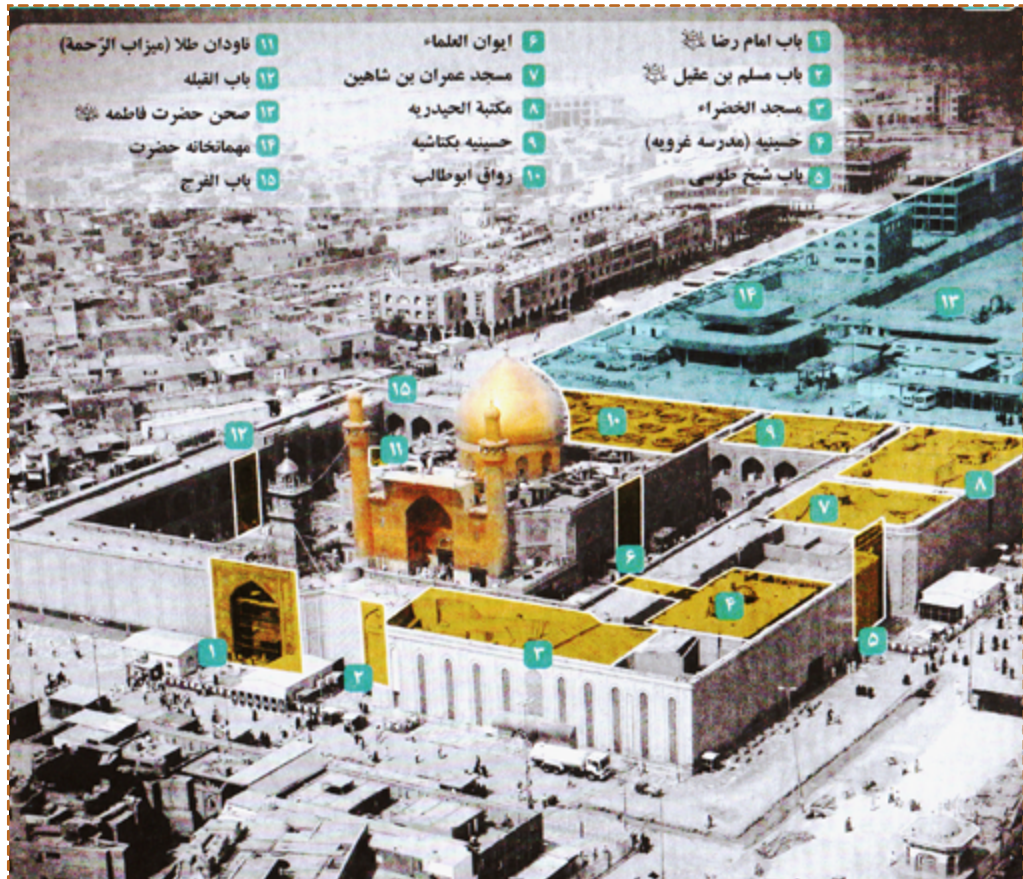


پیوست

امام به ما آموخت که انتظار تنها در مبارزه است...



نقشه حرم حضرت علی (ع)



نقشه نجف كربلا

اطلاعات ضروری

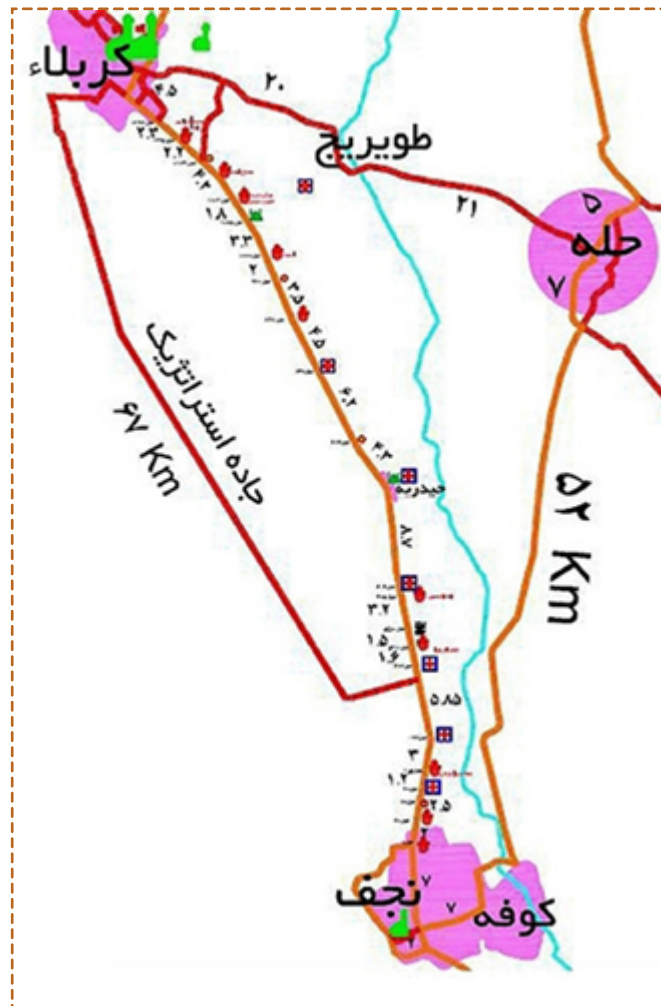
- میزان مسافت: ۸۰ کیلومتر
- تعداد ستون ها: ۱۴۵۲ ستون
- فاصله بین هر ستون: ۵۰ متر (۲۰ ستون = ۱ کیلومتر)
- زمان لازم برای پیاده روی: ۲۰ تا ۲۵ ساعت
- زمان تخمینی سفر پیاده: ۲ تا ۳ روز

دستور العمل های پیاده روی:

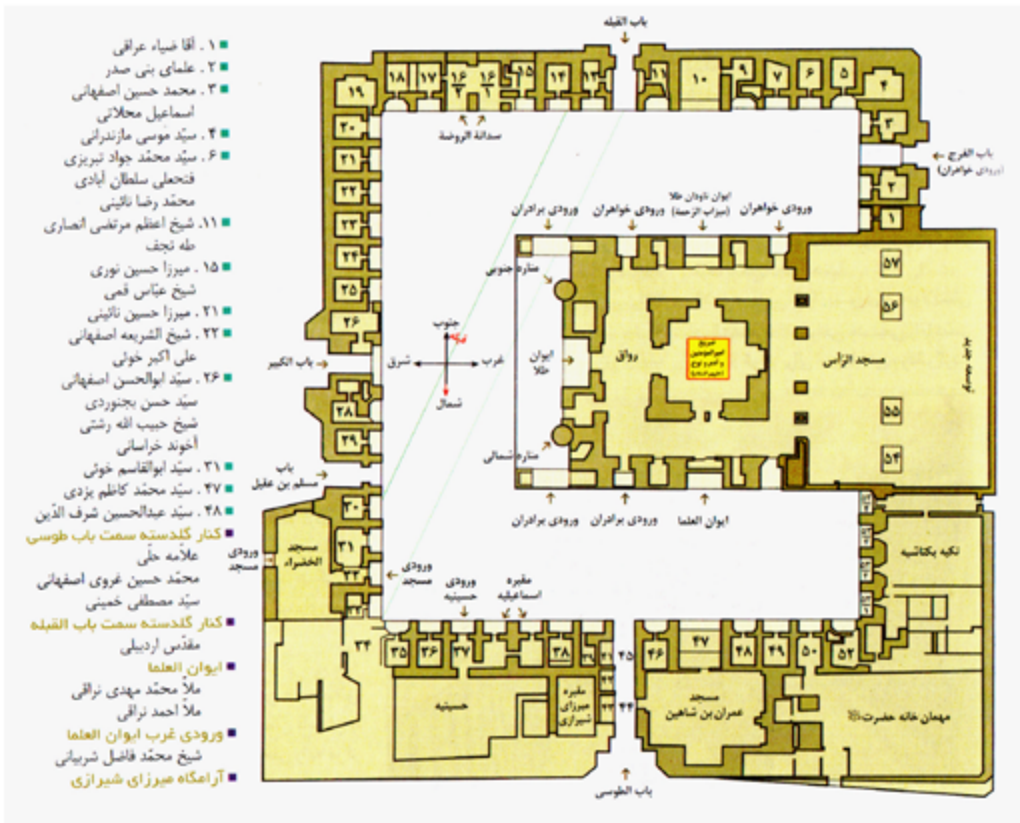
۱. پیاده روی را از طلوع آفتاب آغاز کرده و در مغرب به طور کامل توقف کنید.
۲. اولین شب را در یکی از موبک ها (کمپ یا حسینیه) در حدود ستون ۵۰۰ و دومین شب را حدود ستون ۱۰۰۰ بگذرانید.
۳. مدت طولانی پیاده روی نکنید. هر زمانی لازم بود استراحت کنید.
۴. در زمان نماز مغرب جایی را برای خواب بین صدها موبک (کمپ یا حسینیه) پیدا کنید. نیازی به نگرانی نیست چون تعدادی زیادی از این موبک ها وجود دارد.
۵. مراکز افراد گمشده در ستون های ۷۲، ۳۳۵، ۶۰۲، ۱۱۰۳ و حرم حضرت عباس (علیه السلام) قرار دارند. هر ۳ کیلومتر مرکز گزارش گمشدگان تعبیه شده است.

شماره های مهم:

- اورژانس: ۱۰۴
- افراد گمشده: ۰۷۸۰۱۳۰۰۵۶۱
- احکام شرعی: ۰۷۸۱۴۶۵۱۳۵۳
- اداره مرکزی: ۰۷۸۰۱۰۰۴۷۵۸



نقشه محل دفن ستارگان حرم حضرت علی (ع)

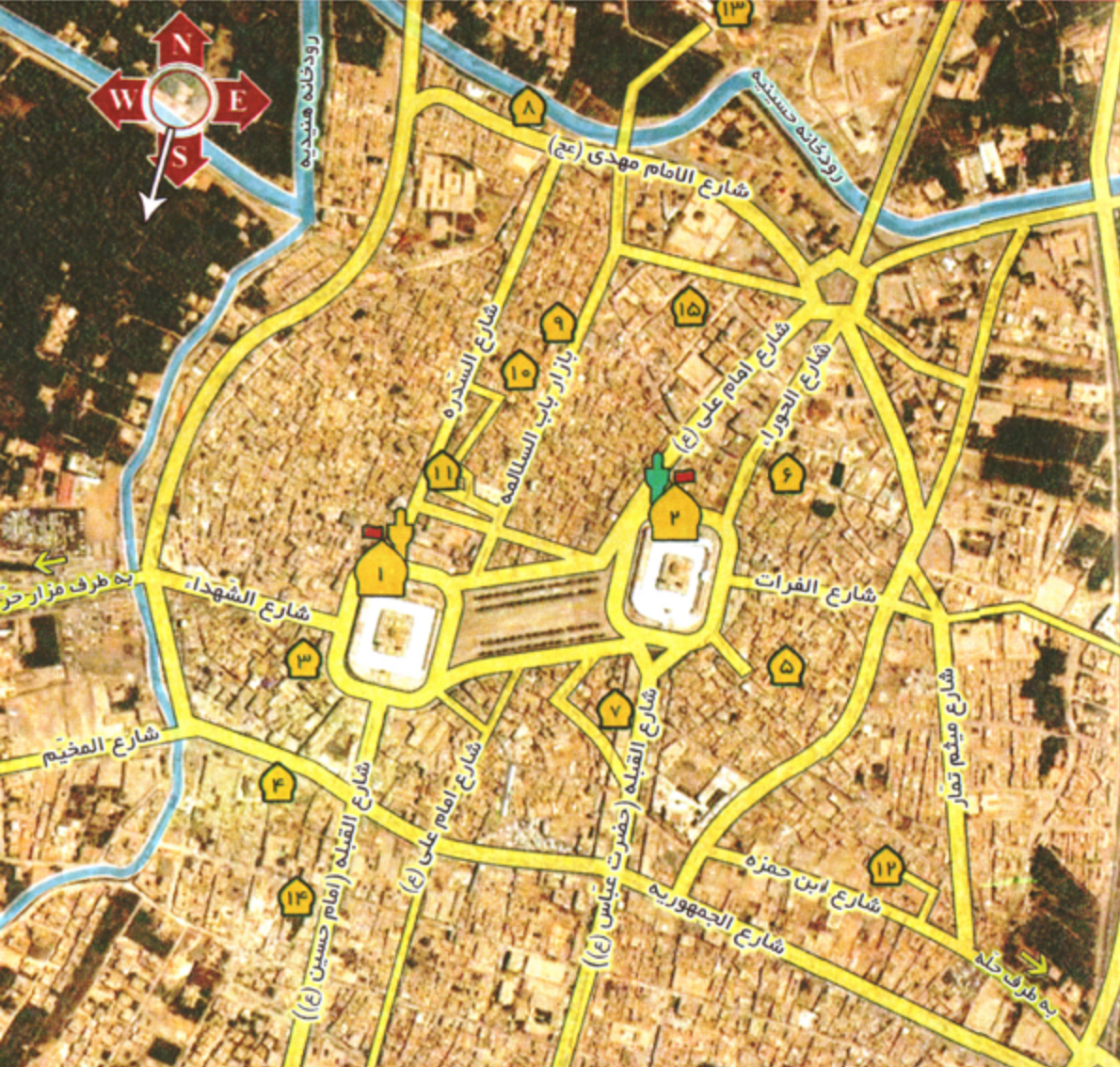


علمای مدفون در حرم حضرت علی (ع)

 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۰۰ هـ.ق	 سید عبدالکرم شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 سید محمد جواد مظاہری شیرازی متوفی ۱۲۸۷ هـ.ق	 سید محمد جواد مظاہری شیرازی متوفی ۱۲۸۷ هـ.ق	 سید محمد جواد مظاہری شیرازی متوفی ۱۲۸۷ هـ.ق
 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق
 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق
 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق	 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق

شماره ها مربوط به حجره محل دفن هر عالم در حرم حضرت امیر (ع) می باشد

نقشه شهر کربلا و اماکن موجود



۴ خیمه گاه (مخبیم)



۳ تل زینبیه



۲ حرم مطهر ابوالفضل العباس (ع)



۱ حرم مطهر اباعبدالله الحسین (ع)



۱۰ مقام علی اکبر (ع)



۹ محل ملاقات امام حسین (ع) یا عصر سعد



۸ مقام صاحب الزمان (ع)



۷ شیر فضه



۶ کف العباس (ع)



۵ کف العباس (ع)



۱۵ مقام امام موسی کاظم (ع)



۱۴ مرقد ابن فهد حلی



۱۳ مقام امام صادق (ع)



۱۲ مرقد ابن حمزه



۱۱ مقام علی اصغر (ع)

♦ زیارت امین الله

زیارت معروف به «امین الله» است که در نهایت اعتبار می باشد و در تمام کتابهای زیارتی و مصابیح نقل شده. علامه مجلسی (ره) فرموده: این زیارت از جهت متن و سند از بهترین زیارات است و باید در تمام روضه های ائمه بر آن مواظبت نمایند، در باره این زیارت به سندهای معتبر از جابر، از امام باقر علیه السلام روایت شده: حضرت زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد، و در کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و چنین گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ)، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمَلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَالرِّزْمَ أَعْدَاكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَاةِكَ مُجِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ صَابِرَةً عَلَى تَزْوِيلِ بَلَائِكَ [شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ الْآثِقِ] مُشْتَاقَةً إِلَى فِرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَرَوِّدَةً لَتَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتُنَائِكَ. پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالرَّغْبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْعِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتُوبَةٌ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُوجُودَةٌ [مَبْدُولَةٌ] أَوْ الْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ أَمْوُجُودَةٌ أَوْ عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَفَالَكَ مُقَالَهٌ وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ

نَارِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَأَصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ [لَدَيْكَ] مُتْرَعَةٌ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَأَقْبَلْ تَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مَنَائِي وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ. أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لَأَوْلِيَانَا وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَدَانَا وَأُظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



زيارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ
الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثْرَ
الْمُؤْتَوِّرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيَّكَ مِنْ جَمِيعِ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ
بَقِيَ اللَّيْلُ وَالتَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَّمْتَ الرَّزِيَّةَ وَجَلَّتْ وَعَظَّمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ
أَهْلِ الْأَسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظَّمْتَ مُصِيبَتَكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعْنِ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ
أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعْنِ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَازَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي
رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعْنِ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعْنِ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرَثَتْ إِلَى اللَّهِ
وَالْيَكْمِ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرَبْتُ لِمَنْ
حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَعْنِ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَلَعْنِ اللَّهُ بَنِي أُمِيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعْنِ اللَّهُ بَنَ مَرْجَانَةَ وَ
لَعْنِ اللَّهُ عَمْرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعْنِ اللَّهُ شِمْرًا وَلَعْنِ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمَّتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ يَا بَنِي وَأُمِّي
لَقَدْ عَظَّمْتُ مُصَابِي بِكَ فَاسْتَسْلِمُ اللَّهُ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي أَنْ يَرُزُقَنِي طَلَبُ تَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَ
إِلَى بَنِي الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْبِرَاثَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بَنِيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ وَ
عَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرَثَتْ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمِ مِنْهُمْ وَاتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاهُ وَلِيَّكُمْ وَبِالْبِرَاثَةِ
مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَبِالْبِرَاثَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرَبْتُ
لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيَّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوَّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَاسْتَسْلِمُ اللَّهُ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ
أَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبِرَاثَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يَنْبِتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ

صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرُزُقَنِي طَلَبُ تَارِي مَعَ
إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَعْطِنِي بِمُصَابِي
بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يَعْطِي مُصَابًا بِمُصِيبَةٍ مَا عَظَّمَهَا وَأَعْظَمَهَا رَزَقْتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَ
الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالَهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ
مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بِنِوَامِيَّةٍ وَابْنَ
اِكْلَةَ الْأَكْبَادِ اللَّعِينِ ابْنَ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ
وَقَفَّ فِيهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ابْنِ مَرْوَانَ بِقِتَالِكُمْ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَضَاعَفْ عَلَيْهِمْ
اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرُّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا أَيَّامَ حَيَاتِي بِالْبِرَاثَةِ
مِنْهُمْ وَاللَّعْنَ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُمَّ السَّلَامُ

**پس می گوئی صد مرتبه اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وال محمد و اخر تابع له على ذلك
اللهم العن العصاة التي جاهدت الحسين وشايعت و بايعت و تابعت على قتله اللهم العنهم جميعاً
پس ميگوئی صد مرتبه السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الأرواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام
الله ابدًا ما بقيت و بقى الليل و النهار و لا جعله الله اخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين وعلى
على بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين**

**پس می گوئی اللهم خص أنت اول ظالم باللعن مني وابدء به اولائهم الثاني والثالث والرابع اللهم العن
يزيد خامسًا والعن عبيد الله بن زياد و ابن مرجانة و عمر بن سعد و شمرا و آل ابي سفيان و آل زياد و آل
مروان الى يوم القيامة**

**سپس سجده می روی و میگوئی اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على
عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ
أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجُهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ**

♦ زیارت اربعین

چهل روز از واقعه عاشورا می‌گذرد، جابر بن عبدالله انصاری اولین زائر اربعین حسین علیه السلام؛ این یار صدیق رسول خاتم صلی الله علیه و آله وسلم به بزرگداشت حماسه حسینی می‌پردازد؛ آری اربعین حسینی نقطه آغازی است برای تزییق خون حسین (ع) در کالبد جامعه اسلامی، نقطه آغازی که به قیام نهمین فرزند حسین منتهی می‌شود. برای ۲۰ صفر و اربعین حسینی اعمالی مستحبی چون زیارت امام حسین علیه السلام تاکید شده است، چنان که امام حسن عسکری علیه السلام یکی از ۵ علامت مختص شیعه را زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در روز اربعین توصیف می‌کند، هر چند برای کسانی که توانایی سفر به کربلا را ندارند، خواندن زیارت اربعین که توسط امام صادق علیه السلام در کتاب «التهذیب» شیخ طوسی آمده است، توصیه شده است.

متن کامل زیارت اربعین به شرح زیر است:

السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعِبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزِ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتِهِ بِالشَّهَادَةِ وَحَبْوَتِهِ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتِبَائِهِ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النَّصْحَ وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَبِكَ لَا يَسْتَنْقِذُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَبَاعَ حُظَّهُ بِالْأُذُنِ الْأَدْنَىٰ وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّىٰ فِي هَوَاهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فَبِكَ صَابِرًا مُخْتَسِبًا حَتَّىٰ سَفِكَ

فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَعَدَّ بَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عَشْتِ سَعِيدًا وَمُضَيَّتَ حَمِيدًا وَمُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَمُعَدِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بَعْهَدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّىٰ آتَيْتَ الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَضْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَىٰ وَأَعْلَامُ الْهُدَىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَىٰ وَالْحُجَّةُ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَّابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّىٰ يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

لغات پرکاربرد عربی

زمان و تاریخ		خوشاوندی		زمان و رنگ‌ها	
لحظة	لحظه	أب	پدر	أخضر	سبز
ثانية	ثانیه	أم	مادر	أحمر	قرمز
دقيقة	دقیقه	أخ	برادر	أصفر	زرد
ساعة	ساعت	إخوان	برادران	أبيض	سفید
نهار	روز	أخت	خواهر	أسود	سیاه
ليل	شب	أخوات	خواهران	أزرق	آبی
ليالي	شب‌ها	رجل	مرد	بنی	قهوه‌ای
فجر	سپیده دم	رجال	مردان	بنفسجی	بنفش
يوم	روز	امراة	زن	رمادی	خاکستری
أيام	روزها	نسوان	زنان	وردی	صورتی
روزهای هفته		ابن	پسر	برتقالی	نارنجی
السبت	شنبه	أبناء	پسران	خُمصی	کرم
الأحد	یکشنبه	ابنة	دختر	ذهبی	طلایی
الاثنين	دوشنبه	بنات	دختران	فضی	نقره‌ای
الثلاثاء	سه شنبه	خال	دایی	رصاصی	سربی
الأربعاء	چهارشنبه	خاله	خاله	كحلی	سرمه‌ای
الخميس	پنجشنبه	عم	عمو	فاتح	روشن
الجمعة	جمعه	عمة	عمه	غامق	تیره

لغات پرکاربرد عربی

اعضای بدن		اعداد ترتیبی		اعداد	
جسم	بدن	یکم	الأول	۳۰	ثلاثین
رأس	سر	دوم	الثانی	۴۰	أربعین
شعر	مو	سوم	الثالث	۵۰	خمسين
لسان	زبان	چهارم	الرابع	۶۰	ستین
وجه	صورت - رو	پنجم	الخامس	۷۰	سبعین
خبین	پیشانی	ششم	السادس	۸۰	ثمانین
عين	چشم	هفتم	السابع	۹۰	تسعين
أنف	بینی	هشتم	الثامن	۱۰۰	مأة
أذن	گوش	نهم	التاسع	۲۰۰	مأتین
فم	دهان	دهم	العاشر	۳۰۰	ثلاثمأة
شفة	لب	الحادی عشر	بازدهم	۴۰۰	أربعمأة
خلق	حلق	الثانی عشر	دوازدهم	۵۰۰	خمسمأة
خذ	گونه	کسر اعداد		۶۰۰	ستمأة
رقبة	گردن	ضعف	دو برابر	۷۰۰	سبعمأة
ذقن	چانه	نصف	نیم	۸۰۰	ثانمأة
أسنان	دندان	ثلث	یک سوم	۹۰۰	تسعمأة
شارب	سیبل	ربع	ربع	۱۰۰۰	ألف
لحیة	ریش	ثلاثة أرباع	سه ربع	۲۰۰۰	ألفین
ید	دست	خمس	یک پنجم	۳۰۰۰	ثلاثة الاف
إصبع	انگشت	سدس	یک ششم	ملايين	
ظفر	ناخن	عشر	یک دهم	ملايين	
				خمسين بالمائة ۵۰%	

لغات پرکاربرد عربی

در بازار

سوق	بازار	ساده	ساده
بدله کت و شلوار	مُنَقَط	خالداری	مُحَطَّط
قمیص	پیراهن	راه راه	مُربعات چهارخانه
تَنُوْزَه	دامن	ساعت	ید ساعتچی
حزام	کمربند	لبین	دوغ
سِرْوَالِیسیر شلوارک	تیاب	لباس	زوبه
بَنْطَلُون	شلوار	عینک	نظاره
سِرْوَالِ داخلی شورت	خرید و فروش	فروش	بیع
جوارب	جوراب	مردانه	سِرء
رجالی	زنانه	سعر	نوخ
نسائی	کلاه	نوعیه	جینه جنس خوب
قَبْعَه	روسری	نوعیه	سینه جنس بد
ریبته	پنبه	عالی	عالی
قَطَن	پشم	مُنخَفَض	پایین
صُوف	کتان	غال	گران
کتان	حریر	اریشم	ارزان
قماش	پارچه	معقول	مناسب
مَنْشَفَه	حوله	تَذکار	یادگاری
لعبه	اسباب بازی	اِکرامیه	انعام
شمسینه	چتر	تخفیضات	تخفیف

رستوران

مطعم	رستوران	لحم	گوشت
لاحمه	لحم لیست غذا	دجاج	مرغ
وجبه	طعام پُرس غذا	بیش	تخم مرغ
ملح	نمک	سَمک	ماهی
لبین	دوغ	مَقْلَبَه	سرخ کرده
زوبه	ماست	زیت	روغن مایع
حلیب	شیر	خَبْز	نان
چینه	پنیر	سَلطَه	سالاد
چای	شای	شوریه	سوپ
سُکَّر	شکر	ماء	ساخن آبجوش
مُرَبی	مریبا	مُرطبات	نوشیدنی

میوه جات

حیوانات	حیوانات	حیوانات	حیوانات
أسد	شیر	بَقَرَه	گاو ماده
نُعبان	مار	نُور	گاو نر
جَمَل	شتر	حَمامه	کبوتر
دجاجه	مرغ	سَمکَه	ماهی
عُصفور	گنجشک	خُرُوف	گوسفند
قَط	گربه	ناقة	شتر ماده
نحله	زنبور	عسل	عسل
نملة	مورچه		
پست			
رسالة	نامه	طابع	برید
برید	سریع	عنوان	آدرس
المُرسل	فرستنده	المُرسل	الیه گیرنده

لغات پرکاربرد عربی

در حرم و مسجد

جامع، مصلى	مسجد	فَدَق	هتل
صلاة	قصر نماز	عِمَارَه	ساختمان
تَجَاة القِبْلَه	رو به قبله	بَاب	در
مُهْر	سایه	نَافِذَه	پنجره
تَسْبِیح	سبحه	عَرَفَه	اتاق
جَانَمَاز	سجده	سَوْتِیْت	آپارتمان
کِشَوَاتِیَه	کفشداری	مَطْعَم	رستوران
حَافِی	پارهنه	سَرِیر	تختخواب
مُکَبِّرَات الصَّوْت	بلندگو	مِخْذَه	متکا
جَهْر	صدای بلند	نَسِیح	منسوجات
إخفات	صدای آهسته	إكسسوارات	لوازم یدکی

در شهر

بَلَد	کشور	مُحَافِظَه	استان
مَدِینَه	شهرستان	قضاء	شهر
قَرِیَه	روستا	بَرِید	پست
مَتْخَف	موزه	مُسْتَشْفِی	بیمارستان
مُسْتَوْصَف	درمانگاه	سَرِیر	تخت
مَكْتَسَه	مکتسه	کَهْرَبَاتِیَه	برقی
طَوَلَه	میز	عِلَاقَه	پاکت دسته دار
فِرِن غَاز	اجاق گاز	فَرشَة	استان مسواک
مَعجُون	استان خمیر دندان	مِدْفَاة	بخاری
مِرَاة	آینه	مِشَط	شانه
مِفْتَاح	کلید	مَقْص	اطل
مِکَوَاة	قیچی	مِخْذَه	زمین شور
قَنَاة	ماهوره	لُوحَه	تابلو
أَسَانَسُور	نقشه	مُوقِف	ایستگاه
مُحَطَّطَه	جایگاه	جِیسِر	پل
سَلْم	درجه	سَلْم	درجه

در هتل

در سفر

ذهاب	رفت	جواز	سفر گذرنامه
إِیَاب	برگشت	بِطَاقة	تذکره بلیط
سِیَّارَه	اتومبیل	اَتُومِبِیلِیَا	درجه اولی درجه ی یک
سِیَّارَات	اتومبیلها	اَلأَجْرَه	کرایه ی مسافر
بِاص	اتوبوس	بِطَاقة	کارت
سُکک	چدیده	هَوْبَه	شناسایی
سَانِق	راننده	مِتَاخِر	دیر کرده
طَائِرَه	هواپیما	یَصِل	می رسد
مِطَار	فرودگاه	یَرْحَل	روانه می شود
شَارِع	خیابان	یَتَوَقَّف	می ایستد
زَقَاق	فرع	اِفْتِاح	باز کن
سَاحَه	دوار	أَغْلِق	ببند
طَرِیق	راه	أَمْتَعَه	بار سفر
طَرِیق مُشَاة	پیاده رو	اَلبَاخِرَه	کشتی
طَرِیق مَسدود	راه بسته	شَاحِنَه	لازری کامیون
خَرِیْطَه	نقشه	إِلِی الیَمِین	بطرف راست
مُوقِف	ایستگاه	إِلِی الیَسَار	بطرف چپ
مُحَطَّطَه	جایگاه	عَلِی طَوَل	مستقیم
جِیسِر	پل	بِاب القِیَام	در جلو
سَلْم	درجه	بِاب الخَلْفِی	در عقب

لغات پرکاربرد عربی

اصدا		اعداد ترتیبی		اعضای بدن	
واحد	۱	ثلاثین	۳۰	الأول	یکم
اثنین	۲	أربعین	۴۰	الثانی	دوم
ثلاثة	۳	خمسين	۵۰	الثالث	سوم
أربعة	۴	ستین	۶۰	الرابع	چهارم
خمسة	۵	سبعین	۷۰	الخامس	پنجم
ستة	۶	ثمانین	۸۰	السادس	ششم
سبعة	۷	تسعين	۹۰	السابع	هفتم
ثمانية	۸	مِائة	۱۰۰	الثامن	هشتم
تسعة	۹	مِائتين	۲۰۰	التاسع	نهم
عشرة	۱۰	ثلاثمائة	۳۰۰	العاشر	دهم
أحد عشر	۱۱	أربعمائة	۴۰۰	الحادي عشر	یازدهم
اثنی عشر	۱۲	خمسمائة	۵۰۰	الثاني عشر	دوازدهم
ثلاثة عشر	۱۳	ستمائة	۶۰۰	کسر اعداد	
أربعة عشر	۱۴	سبعمائة	۷۰۰	ضعف	دو برابر
خمسة عشر	۱۵	ثمانمائة	۸۰۰	نصف	نیم
ستة عشر	۱۶	تسعمائة	۹۰۰	ثلث	یک سوم
سبعة عشر	۱۷	ألف	۱۰۰۰	رُبع	ربع
ثمانية عشر	۱۸	ألفین	۲۰۰۰	ثلاثة أرباع	سه ربع
تسعة عشر	۱۹	ثلاثة آلاف	۳۰۰۰	خمس	یک پنجم
عشرون	۲۰	ملايين	میلیونها	سُدس	یک ششم
واحد وعشرون	۲۱	خمسين بالمائة	۵۰٪	عُشر	یک دهم
				جسم	بدن
				رأس	سر
				شعر	مو
				لسان	زبان
				وجه	صورت - رو
				جبین	پیشانی
				عين	چشم
				أنف	بینی
				أذن	گوش
				فم	دهان
				شفة	لب
				حلق	صدر
				خَد	گونه
				رقبة	گردن
				ذقن	چانه
				أستان	دندان
				شارب	سپیل
				لحیة	ریش
				ید	دست
				إصبع	انگشت
				ظفر	ناخن
				رسغ	بازو
				ذراع	کوع
				كف	شانه
				فخذ	ران
				ساق	ساق پا
				ركبة	زانو
				قدم	پا
				جلد	پوست
				دم	خون
				ظهر	پشت
				صدر	سینه
				بطن	شکم
				الطبيب	پزشک
				ضغط الدم	فشار خون
				صيدلية	داروخانه
				ضمادة	باند
				لزقة	چسب زخم
				أرقد هنا	اینجا دراز بکش
				إفتح فمك	دهانت را باز کن
				إسعل	سرفه کن

لغات پرکاربرد عربی

سیاست		دعم		حمايت		هزيمة	
شعار	آرم	خُلُوق	خوش اخلاق	شكست	شكست	تَعذِيب	شكستجه
إحصاء	آمار گرفتن	مُرَاسِل	خبرنگار	قضاء	شهرستان	مصريى	سرنوشت ساز
أبناء	مقر، قاعده	سرى	محرماته	مشروع	پروژه	ديمقراطية	دموکراسی
جيش	ارتش	مُدعى	دادستان	أبرياء	غیر نظامی	أمانة العامة	امانة العام
العملة	ارز	مُحامى	وکیل	كارثة	فاجعه	مخفر شرطة	پاسکامپلیس
الكتلة	اقلیت	علاقة	رابطه	شامل	فراگیر	مخفر خوددی	پاسکاه مرزی
ثورة	انقلاب	تصويت	رای دادن	إنتهازى	فرصت طلب	شارع رئيسى	بزرگراه
إنقلاب	کودتا	ناخب	رای دهنده	رقم قیاسى	رکورد	إعادة بناء	بازسازی
أزمة	بحران	انكماش	رکود	مسار	روند	السوق الحرة	بازار آزاد
تشحين	شارژ	تفنگ	تفنگ	مُساوم	سازشکار	الضوء الأخضر	چراغ سبز
مفتش	بازرس	تَضخُّم	تورم	إشتياك	درگیری	الشرق الأوسط	خاورمیانه
ميناء	بندر	مؤامرة	فتنه گری	مجال	زمینه	إكتفاء ذاتى	خودکفایی
ميزانية	بودجه	إنتاج	تولید	سجن	زندان	رعى بالخصاص	تیرباران
مُعسكر	پادگان	مُهَرِجان	سمینار	صاروخ	موشک	رئيس الوزراء	نخست وزیر
مَلَف	پرونده	مُزَيَّف	جعلی	قلق	نگرانی	عنصرى	نژاد پرست
وطنى	ملی	شباب	جوانان	معرض	نمایشگاه	نشيد وطنى	سرود ملی
خریطة	نقشه	مُواطن	هموطن	متناسق	هماهنگ	استعراضى	عسکری
مُؤحد	یکپارچه	إنذار	هشدار	مذكرة	یادداشت	قناة	کانال ماهواره
قصف بمباران کردن	قصف بمباران کردن	إعتقال	دستگیر کردن	قمرصناعى	ماهواره	بطاقة هوية	کارت شناسایی
شیطنة	ایست بازرسی						

دومین سوگواره بین‌المللی عاشورایی عکس‌هیأت

موضوع:

بخش اصلی؛ جلسه هیأت؛ فضای داخلی جلسه/ فضای بیرونی جلسه/ شام غریبان؛ عکس پایانی و یادبود مراسم هیأت
بخش جنبی؛ دسته عز/ عکس‌های قدیمی و کهن

بخش ویژه؛ کاروان عشق؛ پیاده روی اربعین (از نجف تا کربلا)

داوران:

آقایان: سیدعباس میرهاشمی / فرهاد سلیمانی / محمد مهدی رحیمیان / محمد حسین حیدری

جوایز:

بخش اصلی: رتبه اول: یک سکه بهار آزادی به همراه سه میلیون تومان کمک به هیأت.

رتبه دوم: نیم سکه بهار آزادی به همراه دو میلیون تومان کمک به هیأت.

رتبه سوم: ربع سکه بهار آزادی به همراه یک میلیون تومان کمک به هیأت.

بخش جنبی: رتبه اول هر بخش: نیم سکه بهار آزادی.

بخش ویژه: رتبه اول: یک سکه بهار آزادی.

آخرین مهلت ارسال آثار: دهم دی ماه ۱۳۹۲ مصادف با رحلت رسول اکرم (ص)

قوانین:

- ۱- آثار رسالی می‌تواند به صورت تک عکس یا مجموعه عکس باشد.
- ۲- برای شرکت در سوگواره می‌بایست از طریق نشانی اینترنتی SOOG1542 دات کام ثبت نام نموده و یا به همراه آثار رسالی، فرم ثبت نام اینترنتی را تکمیل و در یک فایل با فرمت ورد به صندوق پستی: ۱۴۳۵-۳۷۱۹۵ سوگواره هیأت (حتماً نام صندوق قید شود) ارسال نماید.
- ۳- آثار باید با فرمت JPEG، مود رنگی RGB و اندازه‌ی حداقل ۲۵۰۰ پیکسل برای ضلع بزرگ ارسال شده و کیفیت مناسب جهت چاپ در ابعاد ۵۰ در ۷۰ داشته باشند.
- ۵- هر عکاس مجاز است حداکثر ده اثر برای شرکت در مسابقه ارسال نماید.
- ۶- عکس‌های دستکاری شده با سیستم‌های نرم‌افزاری پذیرفته نخواهند شد.
- ۷- ارسال عکس نوشته برای هر اثر الزامی می‌باشد.

برگزار کننده: جامعه ایمانی مشعر

- ۱- ستاد برگزاری، ارسال کننده را صاحب اثر می‌شناسد و در صورت اثبات خلاف آن، اثر مربوطه را از مسابقه حذف می‌نماید.
- ۲- برگزار کننده مجاز است که از آثار رسالی برای انتشارات، اطلاع‌رسانی و تبلیغات و ارتقای سطح هنری هیأت‌های مذهبی استفاده نماید.
- ۳- ارسال آثار به منزله پذیرش مقررات مسابقه است. تصمیم‌گیری درباره مسائل پیش‌بینی نشده و تفسیر شرایط بر عهده ستاد برگزاری سوگواره می‌باشد.
- ۴- آثار رسالی به دبیرخانه سوگواره، عودت داده نخواهند شد.

دومین سوگواره بین‌المللی عاشورایی عکس‌هیأت

المهرجان العاشورائي الدولي الثاني تحت عنوان صورالهيئة

Second International collection of Ashoura mourning pictures from religious program committees



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۸۱

Main section:
Palace of gatherings of committees.
Internal committees of gatherings of committees.
External committees of gatherings of committees.
Committee persons (members) of committees.

Sub section:
Assembly of mourning activities.
Persons activities persons.

Special Section:
Famous of those walk from Najaf to Karbala on the day of Ashura.

Prizes of main section:
First position: One golden Bahar-e saadi and three million تومان in assistance to the committee.
Second position: Half golden Bahar-e saadi and two million تومان in assistance to the committee.
Third position: Quarter golden Bahar-e saadi and one million تومان.
In assistance to the committee. Creditability prize assigned by jury, made from sub and special activities.
All participants will be presented with a gift as a token of appreciation.

مسابقات:
کمیته‌های محلی
کمیته‌های منطقه‌ای
کمیته‌های کشوری
کمیته‌های بین‌المللی

بخش ویژه:
کمیته‌های محلی
کمیته‌های منطقه‌ای
کمیته‌های کشوری
کمیته‌های بین‌المللی

جوایز:
رتبه اول: یک سکه بهار آزادی به همراه سه میلیون تومان کمک به هیأت.
رتبه دوم: نیم سکه بهار آزادی به همراه دو میلیون تومان کمک به هیأت.
رتبه سوم: ربع سکه بهار آزادی به همراه یک میلیون تومان کمک به هیأت.
بخش جنبی: رتبه اول هر بخش: نیم سکه بهار آزادی.
بخش ویژه: رتبه اول: یک سکه بهار آزادی.

تذکره: ۱- ستاد برگزاری، ارسال کننده را صاحب اثر می‌شناسد و در صورت اثبات خلاف آن، اثر مربوطه را از مسابقه حذف می‌نماید.
۲- برگزار کننده مجاز است که از آثار رسالی برای انتشارات، اطلاع‌رسانی و تبلیغات و ارتقای سطح هنری هیأت‌های مذهبی استفاده نماید.
۳- ارسال آثار به منزله پذیرش مقررات مسابقه است. تصمیم‌گیری درباره مسائل پیش‌بینی نشده و تفسیر شرایط بر عهده ستاد برگزاری سوگواره می‌باشد.
۴- آثار رسالی به دبیرخانه سوگواره، عودت داده نخواهند شد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۸۰

لبیک یا حسین

در صورتی که تمایل دارید از برنامه های ستاد راهیان کربلا باخبر شوید کلمه «لبیک یا حسین» را به شماره ۳۰۰۶۰۰۲۱۰۰ پیامک نمایید. همچنین جهت دریافت عکس ها و فیلم های سفر نیز کلمه «کاروان کربلا» را به همین شماره پیامک کنید تا از نحوه دریافت آن ها مطلع شوید.